

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



سلسله  کتاب‌های

طوارث

سخنرانی‌های ایراد شده در مراسم یادمانی



دکتر جواد فرهودی



تهیه و تنظیم: بنیاد نخبگان استان تهران با همکاری

دفتر الگوسازی و تکریم بنیاد ملی نخبگان

آذرماه ۱۳۹۵

فهرست

- ۶..... دیباچه
- ۹..... شخصیت چند بعدی دکتر فرهودی
- ۱۱..... ابعاد گسترده علمی و پژوهشی استاد
- ۱۹..... استادی فراتر از بُعد علمی تنها
- ۲۵..... تبیین شخصیت مثال زدنی استاد
- ۳۰..... جدیت استاد در همسوئی نحله‌های فکری
- ۳۸..... واکاوی علت گسست فنّاوریه‌ای پیشینان
- ۴۷..... سخنرانی دکتر جواد فرهودی
- ۶۷..... ضمائم
- ۶۹..... قرائت بیانیه کمیته علمی مراسم تکریم دکتر فرهودی

دیباچه

تکریم و نکوداشت از مقام علمی، فرهنگی، ادبی و هنری بزرگان، مشاهیر، سرآمدان و نخبگان هر جامعه بیش از آن که مایه سرور و خوشنودی ایشان باشد، فخر و غرور سایر افراد جامعه را به دنبال دارد، چرا که مردم همواره قهرمانان و اسطوره‌های خود را دوست دارند، به آنان عشق می‌ورزند و بسیاری از آمال و آرزوهای خود را در ایشان جستجو می‌کنند.

البته این امر در سطح عموم جامعه امری مطلوب است و نشان از قدرشناسی مردم نسبت به بزرگان خود دارد. اما اگر هدف از تکریم چهره‌های علمی کشور، علاوه بر ارضای حس غرور ملی، الگوسازی برای جوانان بویژه مستعدین برتری باشد که دارای ظرفیتهای علمی بیشتری هستند، آنگاه برگزاری این گونه آیین‌ها کاری به مراتب دشوارتر می‌شود و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و علمی‌تری را می‌طلبد، چرا که برای معرفی مشاهیر و سرآمدان به نسل‌های جوان باید به افکار علمی و آثار به جای مانده از ایشان - **بخصوص شاگردان و تألیفات آن‌ها** - پرداخت و نیز نقش آن‌ها را در ایجاد و یارشد و تعالی شاخه تخصصی‌شان شناساند.

البته تکریم از دانشمندان ممکن است به نقد آثار علمی آنها نیز بیانجامد که خود موجب بالندگی و پویایی در نسل جوان محقق و پژوهشگر می‌شود. مهم‌تر از همه این‌ها، منش زندگی و سلوک اخلاقی این افراد است که در الگوسازی رفتار نخبگی بین جوانان بسیار موثر است. در

همین رابطه شاید تشبیه شمع به مشاهیر و سرآمدان علم و ادب تشبیه مناسبی باشد. می‌دانیم شمع در ادبیات عرفانی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. شمع با چراغ، لامپ و فانوس تفاوت اساسی دارد. درست است که همه آنها نور می‌دهند و روشنایی می‌آفرینند و آن را بی مضایقه به اطرافیان خود می‌بخشایند، لکن روشنایی شمع طوری دیگر است. شمع نور را با عشق و حرارت به عاشقان هبه کرده و خود در گرو این نورافشانی به فنا و بقا می‌رسد و این گونه، مقام عاشق و غالب را کسب می‌کند. آنطور که عطار نیشابوری می‌فرماید:

پَر زنان در پرتو مطلوب شد

شمع غالب گشت و او مغلوب شد

آری به زعم عاقلان و عاشقان، الگوهای راستین جامعه که موجب اعتلا و ارتقای کشور می‌شوند، چون شمع می‌سوزند و حرارت همراه با نور و روشنایی را به ارمغان می‌آورند، اما ای دریغ که گاه مقام و منزلت آنها از شمار دید چشم و خرد خارج می‌شود و ایشان آن‌چنان که باید و شاید مورد توجه قرار نمی‌گیرند که به واسطه آن، آفت و ضرری بزرگ متوجه کشور و نسل‌های آتی آن می‌شود. در این میان دریغ بزرگتر آن است که اغلب این افراد از اعماق تاریخ تا شخصیت‌های علمی معاصر بیش از آن که مورد توجه ما قرار گیرند، توسط بیگانگان شناسایی

شده و از انباشت علم و تجربه ایشان به رایگان، و بیشتر اوقات بدون ذکر نامی از آنها و کشور آنها، بهره برده می‌شود. اینجاست که باید از قول ملک الشعراى بهار گفت:

در طواف شمع می‌گفت این سخن پروانه‌ای

سوختم زین آشنایان، ای خوشا بیگانه‌ای

* * *

با توجه به شرحی که گذشت و برای جبران اندکی از مافات، معاونت فرهنگی بنیاد ملی نخبگان با همکاری بنیادهای نخبگان استانی در نظر دارد با برگزاری سلسله نشست‌های تکریمی به معرفی برخی از مشاهیر معاصر و گذشته کشور پردازد و شرح مکتوب مجالس برگزار شده را تحت عنوان کتابهای "طواف شمع" به حاضران عرضه دارد.

این مجلد از مجموعه کتابهای **طوافِ شمع** به گزارش تشریحی از برگزاری مراسم یادمانی از دکتر جواد فرهودی استاد پیش‌کسوت حوزه آب اختصاص دارد. این مراسم در تاریخ یازدهم مهرماه ۱۳۹۵ به پاس یک عمر تلاش علمی و فرهنگی استاد در حوزه آب و به همت بنیاد ملی نخبگان استان تهران و با حضور استعدادهای برتر و نخبگان و صاحب نظران این حوزه برگزار گردید. امید است مطالب این کتاب که مجموعه سخنانی‌های آن مراسم است، مورد استفاده شما خواننده فرهیخته قرار گیرد و ما را از نظرات اصلاحی بهره‌مند سازید.

معاونت فرهنگی بنیاد ملی نخبگان

دفتر الگوسازی و تکریم نخبگان



* دکتر یدالله اردوخانی

شخصیت چند بعدی دکتر فرهودی

صحبت کردن در این جمع که همه از اساتید بنده هستند، کار ساده‌ای

نیست، ولی به رسم ادب چند کلامی کوتاه عرض خواهم کرد. عرض سلام، احترام، ادب و خیرمقدم دارم خدمت اساتید، دانشجویان و استعدادهای برتر حاضر در جمع و نیز مسئولان محترم بنیاد ملی نخبگان و معاونت محترم علمی و فناوری، همچنین ستاد توسعه علوم و فناوری آب و انجمن‌های علمی مرتبط، انجمن علوم و مهندسی آب، انجمن هیدرولیک ایران، انجمن علمی سیستم‌های سطوح آبگیر باران ایران، انجمن علمی و مهندسی منابع آب، انجمن مهندسی رودخانه ایران، انجمن آب‌خیزداری ایران و انجمن ملی آبیاری و زهکشی دارم. همچنین از مسئولین محترم وزارت نیرو، معاونین محترم، مدیران محترم که تشریف فرما شدند خیرمقدم دارم. خیرمقدم ویژه خدمت استاد گرانمایه آقای دکتر جواد فرهودی دارم. امیدوارم برنامه امروز بتواند مختصری از ابعاد گوناگون استاد علم و عمل جناب آقای دکتر فرهودی را تبیین و ایشان را به نحو شایسته تقدیر نماید. زبان بنده در معرفی آقای دکتر فرهودی قاصر است. امیدوارم سخنران‌های ویژه برنامه به‌خوبی ابعادی از شخصیت پیچیده و چند وجهی علمی، عملی،

* رئیس بنیاد نخبگان استان تهران

شاگردپروری و اخلاق جناب آقای دکتر فرهودی را تبیین و آشکار نمایند. برنامه امروز یکی از برنامه‌های تکریم و الگوسازی بنیاد نخبگان استان تهران است و هدف آن نیست که فقط به برگزاری مراسم و دادن لوح اکتفا نماییم بلکه علاوه بر این، هدف اصلی این است که استعدادهای برتر با الگوهای عملی علم و عمل مثل آقای دکتر فرهودی آشنا شوند و آنان را سرمشق خود برای خدمت به جامعه قرار دهند و فقط مورد نظر ما رشته‌های علمی محض مثل ریاضیات، فیزیک و شیمی نیست. در نتیجه بنیاد نخبگان استان تهران در سال جاری بعضی مقوله‌های عملی‌تر را مورد توجه قرار داده است. که امروز حوزه آب را انتخاب کرده‌ایم و می‌دانیم آب یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه و آبادانی کشور است و خوشحال هستیم که در خدمت استاد عملی علم و عمل جناب آقای دکتر جواد فرهودی هستیم و این استاد فرزانه مورد تکریم قرار می‌گیرد. همچنین تقارن این مراسم با آغاز ایام سوگواری سالار شهیدان، امام حسین (ع) را گرامی می‌داریم. در خاتمه از حضور گرم کلیه عزیزان و بزرگان، ستاد توسعه آب، انجمن‌های علمی، اعضای کمیته علمی، اساتید دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس و سایر نهادها و همکاران خود که در برپائی این برنامه همکاری داشته‌اند، تشکر و سپاس‌گزاری می‌نمایم. از تصدیقی که به وجود آمد عذرخواهی می‌کنم، خیلی ممنون و سپاسگذارم.



* دکتر مهدی یاسی

ابعاد گسترده علمی و پژوهشی استاد

حدود ۲۸ سال پیش در دانشگاه ارومیه بودم و در آن دوره یکی از افتخارات من آشنائی با آقای دکتر فرهودی بود - شاگرد ایشان و

بهره‌مندی از ایشان - البته من وقتی دیدم آقای دکتر حُبّ نقی رئیس دانشگاه ارومیه آمدند، یک مقداری شرم‌منده شدم از این که واقعاً حق ایشان بود که عنوان ردّپای دکتر جواد فرهودی در دانشگاه ارومیه را ایشان باید ارائه می‌کردند، به هر صورت من همیشه از جناب آقای دکتر فرهودی برای شاگردانم گفته‌ام که بعضی از شاگردان من الان اینجا هستند و می‌دانند، و الان یک مقداری هم برایم سخت است که این‌ها را به خود دکتر فرهودی بگویم. سعی کردم و البته یک نفر هم به من گفت که غلو نکن و واقعیت را بگو و من سعی کردم یک مستندی در اینجا بسازم که به یادگار به ایشان تقدیم کنم و شاید بعضی از قسمت‌های آن را هم دیگران به آن اشاره خواهند کرد.

اولاً نخستین چیزی که به‌نظرم رسید، این است که آقای دکتر فرهودی واقعاً ۷۳ سال پیش در حوزه زیبای دریاچه ارومیه یعنی به همان زیبایی که در تصاویر آن زمان این دریاچه

می‌توان دید، متولد شد، یعنی موقعی که مردم از تبریز به ارومیه با کشتی می‌آمدند، یعنی بهترین راه زمینی نبود بلکه راه دریایی بود. من وقتی که یک مقدار رزومه ایشان را مرور کردم با اطلاعاتی که خودم هم داشتم، دیدم که اتفاقاً این دکتر فرهودی که ما امروز ایشان را می‌شناسیم بیشتر در ارومیه و دانشگاه ارومیه شکل گرفت که این موضوع بسیار برای من چیز جالبی بود که ایشان به نظر من در تهران بزرگ نشد و در ارومیه بزرگ شد. همان‌جوری که گفتم، ایشان یک دیپلم طبیعی گرفتند و بعد پنج سال بعد هم رفتند دیپلم ریاضی گرفتند که توانستند با دیپلم ریاضی بیایند به رشته آبیاری، چون رشته آبیاری دیپلم ریاضی می‌خواست. بعد آمدند کارشناس دانشکده کشاورزی در دانشگاه ارومیه شدند.

بعد از آن بورس گرفتند رفتند به انگلستان و برگشتند و استادیاری، دانشیاری و استاد تمامی ایشان مربوط به دوره دانشگاه ارومیه ایشان است و بعد به دانشگاه تهران انتقال پیدا کردند که بعد اگر رسیدم خواهم گفت چقدر من خوشحالم که ایشان هنوز استاد دانشگاه تهران هستند. ایشان ۳۴ طرح پژوهشی داشته‌اند که ۱۲ تای آن مربوط به دانشگاه ارومیه است. ضمناً نگاه کنید شما این ده سال الان را با ده سال سی سال پیش نباید اشتباه بگیرید چرا که از نظر دانشجویان، سطح دانشگاه و امکانات پژوهشی قابل قیاس نیست.

۸۴ تا مقاله انگلیسی حاصل تلاش‌های علمی ایشان است که ۲۱ مقاله آن مربوط به

دانشگاه ارومیه است یعنی موقعی که برخی افراد با یک مقاله انگلیسی استاد می‌شدند.

مقاله فارسی که هشت‌تای آن برای همان دانشگاه ارومیه بوده است، ۴۰ تا کنفرانس که

البته این را نتوانسته‌ام ردیابی کنم. ضمناً از ۱۰ تا انتشار علمی که ایشان دارند، هفت‌تای آن برای

آنجاست، از ۶۱ تقدیرنامه علمی که ایشان در مجامع مختلف تا به امروز گرفتند، بیش از ۵۰ درصد

آن برای موقعی است که در دانشگاه ارومیه بودند. عضویت‌های انجمن‌ها و کمیته‌ها که در واقع

به معنای شناسائی در کشور می‌توان بر شمرد، ایشان بیشترین این عضویت‌ها را در همان موقع

دانشگاه ارومیه داشته‌اند همچنین یک تمبراختصاصی هم به نام و تصویر استاد زده شده است که

بسیار نظرم را جلب کرده است.

در دانشگاه ارومیه زمانی که آمدم و مرور کردم، دیدم که ایشان خُب مهندس فرهودی بود. در

دانشگاه ارومیه ابتدا کارشناس بودند، بعد شدند استادیار و بعد دو دوره ایشان رئیس دانشگاه بود

و برای من بسیار جالب است که الان رئیس دانشگاه ارومیه آقای دکتر حبّ نقی که اینجا هم

تشریف دارند واقعاً از دوست‌داران ایشان هستند که این هم یکی از این حُسن‌های آقای دکتر

است که واقعاً آدم لذت می‌برد. دو دوره که ایشان رئیس دانشگاه بودند، چندین بار معاون

پژوهشی عمرانی و بعد رئیس دانشکده بودند و همزمان در بیرون از دانشگاه نیز مدیرعامل آب

منطقه‌ای آذربایجان بوده‌اند. که ایشان از همانجا شدند معاون وزیر نیرو در امور آب و حتی بعدش هم که مشاور وزیر بودند. من نگاه که می‌کردم دیدم هر چه کمیته در ایران در حوزه آب بوده، کمیته ملی آبیاری زهکشی، سدها، کمیته، کمیته ملی آبشناسی یونسکو و... عضو همه‌اش بوده‌اند؛ اما چیز جالبی که در این میان قابل ذکر است این بوده که ایشان شرکت مه‌اب قدس را بعد از انقلاب دوباره احیاء نمودند و خیلی از شرکت‌های مشاور منطقه‌ای را مثل طوساب، ری آب، زاینده‌آب، دزآب و... یعنی این‌هایی که در استان‌ها شروع به مشاوره کردند و نه در تهران زنده کردند.

ایشان با وجود همین مسئولیت‌ها، اولین رئیس دانشگاه جامع علمی-کاربردی نیز شدند. استاد نمونه ایران هم که شدند بر اساس کارنامه همان دانشگاه ارومیه ایشان بوده است. ضمناً من قصد داشتم تا همین‌جا اشاره داشته باشم که دیشب طی تماس ایمیلی با یکی از همکاران، جناب آقای دکتر شیعی، ایشان بیان داشتند که فراموش نکنم که جناب آقای دکتر فرهودی، نائب رئیس کمیسیون بین‌المللی آبیاری و زهکشی هم بوده‌اند.

روزی که ایشان از دانشگاه ارومیه رفتند روزی بود که معاون پژوهشی بودند. یکی از همکاران من، آقای دکتر ایوب‌زاده که در اینجا حضور هم دارند به بنده گفتند آن موقعی که جنگ بود، ایشان به خوزستان آمدند، ما در مورد کرخه یک سری مشکلاتی داشتیم، وقتی یک

سؤالی کردیم، دیدیم ایشان کتاب چاو و اینها را در آورد و در حالی هم که معاون وزیر بودند، شروع کرد به ما به درس دادن و بحث کردن که ما هم به دلیل این که تازه دانشجو بودیم چندان نمی فهمیدیم. بعد یک سری اقدامات ایشان دارند که غیر این چیزهایی است که من گفته ام. من آن موقع که در سال ۶۷ می خواستم به دانشگاه بروم، دانشگاههایی که برای طرح سربازی به من گفته بودند تماماً رفتم و دیدم مثلاً کرمان، بابلسر، مشهد و... ولی وقتی از دانشگاه ارومیه بیرون آمدم دیدم این آزمایشگاه هیدرولیک شبیه آن آزمایشگاهی است که در دانشگاه شیراز دیده بودم. بنابراین واقعاً از این آزمایشگاه خوشم آمد، که این آزمایشگاه را آقای دکتر فرهودی در همان دوره کارشناسی در دانشگاه ارومیه تاسیس کرده بودند، که واقعاً دوست داشتنی بود. ایشان کارهای بزرگ بسیار دیگری هم انجام داده، همچون توسعه دانشگاه ارومیه که در حق آقای دکتر حبّ نقی است که توضیح بدهند ولی می خواهم روی دو مورد دست بگذارم: یکی از کارهایی که ایشان کرد این بود که حدود ۲۰ نفر را به عنوان طرح سربازی جذب کرد. ایشان در وزارت علوم ایستاده و هرچه دانشجوی خوب بود را می گرفت، بنده هم افتخار همکاری پیدا کردم که البته کل دانشگاه ارومیه هم آن موقع خیلی خوشش نمی آمد که ما بیاییم و لیکن من بعدها فهمیدیم که ایشان واقعاً بیست تا از دانشجویان کارشناسی ارشد جوان را وارد دانشگاه

ارومیه کرد، دانشگاهی که آن موقع جنگ عراق، کردستان و مشکلات و خمودگی بسیار در آن بود و در این حال بیست نیروی جوان وارد آن شد.

کار بعدی ایشان این بود که چهارسال بعد ایشان ۲۰ نفر از مریبان دانشگاه ارومیه را، برخلاف انتظارات دیگران و حتی مخالفت‌ها به استرالیا فرستاد و آن هم به نحو خیلی ساده‌ای به این ترتیب که با این افراد قرارداد بست و این‌ها خیلی راحت به استرالیا رفتند و وقتی که برگشتند درواقع دانشگاه ارومیه امروزی مال آنهاست. یعنی بیست تا از آدم‌هایی که واقعاً پخته بودند به همراه آدم‌های جدید و بوجود آمدن یک تحول عظیم در دانشگاه ارومیه که باید مدیون ایشان بود.

بعد ایشان خیلی کارهای دیگر و توسعه‌های دیگر کرده‌اند که مثلاً رشته کارشناسی ارشد تأسیسات آبیاری جزو پیشگامان در ایران بودند و یک کارگاه مدل هیدرولیکی که واقعاً در کشور ایران نمونه هست که توسط ایشان ساخته شد، استاد نمونه در کشور بوده‌اند. جمع‌بندی من درواقع این‌گونه است که ۷۳ سال پیش که ایشان به دنیا آمدند که اگر وقت داشته باشم خواهم گفت که از نظر استادان آب دنیا، این یک سن کمی است. به جز همه این خدمات‌هایی که ایشان انجام دادند، و آن هم در سطح بالا، مسؤلیت‌های علمی، اجرائی در سطح بالای کشور که ایشان داشتند، خیلی آدم مسلمانی هستند. این را من با تمام احساسم به شما می‌گویم که آدم

واقعاً انسان واقعی و مسلمانی هستند. من بعد از این ۷۳ سال واقعاً لذت می‌برم که ایشان استاد رشته‌ای است که مایه حیات است. بعد یک سری نشانه‌هایی هم باید به آنها اشاره کنم که این موارد را از دوستان گرفته‌ام از جمله: تجربه بالا، مدیریت اخلاق مدار، عقل بالا، اخلاق نیکو، در عین سخت‌گیری بسیار سخت‌کوش، متواضع و فروتن و

همه جوان‌ها می‌دانند که ایشان چقدر کمک‌حالشان بوده‌اند، البته اگر می‌دانستند که این‌ها بدرد می‌خورند. در کنگره آب و خاک، یکی از دانشگاه تبریز به من گفت: که این آقای دکتر فرهودی واقعاً به من خیلی خدمت کرده که از دانشجویان قدیمی خود من نیز بوده‌اند، گفتم: شما خوب بودید که دکتر فرهودی به شما کمک کرده‌اند چون که دکتر فرهودی به خیلی‌ها که واقعاً به ایشان کمک نکرد و یا نتوانست به این خاطر بود که می‌دانستند زیاد به درد نمی‌خورند ولی شما خودتان حتماً لایق این خدمت ایشان بودید. آقای دکتر فرهودی به کسانی که اعتقاد داشت، آدم‌های خوبی هستند کمک می‌کردند. همیشه هم چهره خندانی داشتند. بعد در همان اجلاس کمیسیون بین‌المللی آبیاری زهکشی در قاهره - مصر شهریور ۱۳۷۵ که ایشان به‌عنوان نائب رئیس، برای اولین بار از ایران انتخاب شدند، یک سفرنامه‌ای داشتند که استاد بزرگم دکتر جوان آن را در شیراز به من نشان داد. گفتند: وقتی ما با دکتر فرهودی در سفر بودیم، ایشان یک سفرنامه منظومی را سرودند که بسیار زیبا و طولانی بود که تولد هفتاد سالگی که

گفتند آقای دکتر جوان خواندیم اما دکتر فرهودی به فردی اجازه نداد که این متن را جای دیگری علنی کنیم، گفتند بعضی‌ها ممکن است ظرفیت بعضی چیزها را نداشته باشند.

شروع آن این است:

با گروهی فکرت رفتن به کنعان داشتیم بهر این مقصد گذر از شهر تهران داشتیم

که با این شروع می‌کنند و آن چیزی که می‌خواستیم بگوییم اینجا بود که پآخر آن به بیت

زیر ختم می‌شود:

بعد یک دوران نُه روزه بسر آمد سفر کاندر آن هم رنج و غم، هم روی خندان داشتیم

از توجه شما متشکرم.



* دکتر محمد قنادی

استادی فراتر از بُعد علمی تنها

«أَلْعَلِمُ نُورٌ يُقَدِّفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ.» علم نوری است که خداوند

متعال در قلب کسانی که دوستشان می‌دارد، قرار می‌دهد. دوستان در رابطه با فعالیت‌های علمی استاد عزیز و معظم و بزرگوار، پروفسور فرهودی بیاناتی فرمودند لذا من خیلی به ابعاد علمی ایشان نمی‌پردازم بلکه مطالبی می‌خواهم بگویم که شاید برای بعضی از عزیزان ابتدائی باشد ولی آنچه که ایشان در طول عمر پربرکتشان انجام دادند، خیلی کم از عزیزان، معلمان و اساتید این کار را انجام دادند. به من زمان ده دقیقه‌ای را برای صحبت داده‌اند و از این جهت سعی می‌کنم در یک مجموعه متراکم مطالبم را خدمت‌تان عرض بکنم.

آشنایی بنده به عنوان یکی از شاگردان کوچک ایشان به سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ برمی‌گردد یعنی زمانی که ما در کلاس هفتم شروع به درس خواندن کردیم، جناب آقای فرهودی به عنوان معلم ما در آنجا برایمان تدریس می‌کرد. آقای دکتر فرهودی استاد معظم در یک بُعد با ما کار نمی‌کرد. ایشان ابعاد گوناگونی را برای ما در نظر می‌گرفت. یعنی تنها به ما درس نمی‌دادند، فقط به ما درس علمی نمی‌دادند، درس تدبیر، درس اخلاق، درس اجتماعی، درس فرهنگی، همه را در یک مجموعه به ما به عنوان یک پکیجی ارائه می‌کردند. جالب است

* قائم مقام سازمان انرژی اتمی ایران، از شاگردان استاد

بدانید که به موازات همین دورهٔ دبیرستان ایشان یک حسینیّهٔ جوانانی را در شهرستان مراغه به همراهی همکارانشان و برادرانشان تأسیس کردند. آن زمان ما نوجوان بودیم و چیزی در حدود ۱۴ یا ۱۵ سال داشتیم. ولی ایشان در سنین جوانی، با آن بُعد فکری خودشان و با آن دورنگری خودشان، تمام آن دانش‌آموزانی را که برایشان در دبیرستان تدریس می‌کرد با یک کشش خاصی به آن حسینیّه دعوتشان می‌کرد. چون شهرستان مراغه یک شهرستان کوچکی بود در ایام محرم و عزاداری، دسته‌های عزاداری خیلی سنتی در آنجا اجرا می‌شد. آنچه که مهم بود این بود که در این حسینیّه‌ای که استاد برای ما تهیه دیده بود دیگر آن عزاداری‌های سنتی مرسوم وجود نداشت به گونه‌ای که ابعاد گسترده‌ای از قیام امام حسین را در یک دسته عزاداری کاملاً مشخص اجرا می‌کرد. قرآنی که در هنگام ورود آن هیات به مجالس عزاداری می‌خواندیم. و اشعاری که ایشان در هنگام سینه‌زنی می‌خواند که آن زمان نمی‌فهمیدیم و بعد از سال‌ها که تحلیل می‌کردیم این اشعار را می‌فهمیدیم که اشعار انقلابی بودند، با توجه به این مسأله که در سال ۴۵ کسی به آن صورت به مسائل انقلاب آشنا نبود، حتی نمی‌دانست انقلاب یعنی چه؟ کی می‌خواهد انقلاب شود؟ و یا چه وضعی می‌خواهد پیش بیاید؟ تحلیلی که بعداً به روی اشعار می‌شد، متوجه می‌شدیم که چه عظمتی در این شعرها خوابیده است و واقعاً چه اشعار انقلابی منحصر بفردی است؟ و این مسأله برای ما کاملاً ارزشمند بود.

حُسیّنه جوانانی که ایشان تأسیس کرده بود برای ما یک مسأله بسیار مهمی در شهرستان بود که تعداد زیادی از نوجوانان آن زمان که امکان انحراف برایشان خیلی زیاد بود، به طرف قرآن و نماز جماعت کشیده شدند. علاوه بر علم، تدبیر و فرهنگ را به ما تدریس می کرد، خدا را به ما خوب می شناساند، که همه این ها برای ما ارزش فراوانی داشت. البته من در انتهای کلامم خواهم گفت که خود من به عنوان یکی از شاگردان کوچک ایشان کسی هستم که ۵۰ سال دارم و هنوز از وجود ایشان تلمذ می کنم، یعنی از حدود سال ۱۳۴۵ حساب کنید تا اکنون که در محضر شما هستم. اگر بنده به عنوان یکی از مسئولین سازمان انرژی اتمی مشکلی برایم پیش بیاید بلافاصله با ایشان مشورت های لازم را انجام می دهم.

دکتر فرهودی مردی است چندبُعدی، یعنی در یک بُعد خاص حرکت نمی کند. وقتی که ما دوران دبیرستان را تمام کردیم، ایشان که به انگلیس تشریف بُرده بودند، بنده هم به هر حال بعد از یکسال به پیش ایشان به انگلیس رفتم منتهی ایشان در ساوتمپتون تحصیل می کردند و بنده در مَنچستر بودم. نکات عجیبی در این قضیه وجود داشت، حدود چند سال مانده به انقلاب، ایشان سخنرانی های بسیار بزرگی را در منچستر انجام می دادند که من در خدمت ایشان بودم. بنده هر دو یا سه هفته یکبار، مزاحم ایشان و خانواده معظم ایشان می شدم که بتوانم تلمذ خوبی داشته باشم و این در حالی بود که ایشان مرا از راه دور کنترل می کرد. این واقعیتی است که وجود

داشت و برای من خیلی مهم بود که در یک محیط بسیار مشخصی که آن زمان وجود داشت و امکان هر انحرافی برای هر جوانی وجود داشت ما را کنترل می کردند. از این بابت بنده خودم را مدیون و مرید ایشان می دانم که همیشه ما را ارشاد فرمودند. با توجه به این که فرصت خیلی کوتاه است خدمت شما عرض می کنم که علاوه بر ۵۰ سال تلمّذی که ما در خدمت ایشان داشتیم، یک مسأله بسیار مهمی که وجود داشت این است که از زمانی که ما نوجوان بودیم و نسلی که ما بودیم و بعد از نسل ما و حتی دو نسل بعد از ما و الان اگر آقای دکتر فرهودی به شهر مراغه تشریف ببرند، با این که تعداد زیادی از نوجوانها و جوانها ایشان را اصلاً ندیده‌اند، اما اسم ایشان که می آید همه سریعاً دور ایشان را می گیرند، همه با حُسن شهرت از ایشان یاد می کنند و همیشه ایشان را به خاطر دارند که چه کارهای انقلابی بزرگی در شهری مثل مراغه ایجاد کرده بود؟! اما آنچه که در انگلیس هم برای ما مغتنم و نعمت بود، حضور ایشان و سخنرانی‌های متعددی بود که انجام می دادند و خیلی از برادرها و خواهرهای انجمن اسلامی را به سمت آن سخنرانی‌های خودشان هدایت می کردند. واقعیت هم این است که در آن مدتی که ما در خدمت ایشان بودیم، چه در دبیرستان و چه در دانشگاه، چه در انگلیس و چه در همهٔ زمانها و همین الان هم حضور ایشان واقعاً مغتنم است.

برادر بزرگ و ارجمندمان جناب آقای دکتر یاسی بعضی از کارهای علمی ایشان را فرمودند اما به نظر من فقط مسأله علمی ایشان مطرح نیست. ایشان فردی چند بعدی است، یک فردی که واقعاً با دورنگری خود می‌توانست جوانان را به خوبی هدایت بکند، و لذا خیلی از جوانان مراغه مدیون ایشان هستند. بنده یکی از شاگردان کوچک ایشان هستم که علیرغم مشکلات زمانی ایشان و کمبود وقت ایشان، از وجود ایشان تلمذ کردم و استفاده نمودم. به قول فرمایش حضرت علی بن ابیطالب (ع): «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا.» هر کسی به من حرفی بیاموزد، مرا بنده خود کرده است. البته مسأله، مسأله بسیار بزرگی است. حضرت علی (ع) نه کسی به ایشان یاد می‌داد که بنده‌اش بشود و بگوید خدا هم کسی را بنده نمی‌شد اما به هر حال این راهی بود که ایشان به ما نشان داد کسانی که به ما علم یاد می‌دهند، به ما علم می‌آموزند و ما را هدایت می‌کنند، ما بنده و غلام ایشان به حساب بیاییم. خُب به هر حال هیچ کس نباید به غیر از خدا بنده دیگری بشود اما این مرید بودن و به اصطلاح شاگرد بودن یک فرد را برای این‌ها می‌رساند.

از آن محبت و عشقی که جوان‌های مراغه در نسل‌های قبلی که ما بودیم و بعد از ما که به هر حال آنجا حضور داشتند، این عشق به جناب آقای دکتر فرهودی همیشه وجود داشته و خواهد داشت. نام بسیار نیک ایشان در شهر مراغه، نام بسیار نیک ایشان در دانشگاه ارومیه،

معاونتی که ایشان در وزارت نیرو داشتند، در دانشگاه تهران یا اداره کل امور آبیاری استان آذربایجان و یا هر جایی دیگر که حضور داشته‌اند، نام نیک ایشان همیشه هست. اخلاق نیکوی ایشان، تقوای ایشان، بزرگواری ایشان، شاگردپروری ایشان که شاگردان ایشان در دوره‌های مختلف بعد از انقلاب توانسته‌اند، مناسب خیلی مهمی را به دست بگیرند که همه را مدیون ایشان هستند. بنده خودم به عنوان کسی که به هر حال در طی این ۵۰ سال هر خدمتی کرده باشم، خودم را مدیون ایشان می‌دانم، خودم را شاگرد ایشان می‌دانم و همیشه برای خودشان و خانواده‌شان از خداوند عزّت می‌خواهم.

مسأله‌ای که وجود دارد، عشق به خدا و عمل صالح باعث شده ایشان یک مرد بزرگ، مردی دانشمند، مردی با شخصیت و مردی با تقوا باشند. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا.» به تحقیق کسانی که ایمان می‌آورند و عمل صالح انجام می‌دهند خداوند متعال محبتشان را در دل مردم قرار می‌دهد.



* دکتر صلاح کوچکزاده

تبیین شخصیت مثال زدنی استاد

سلامٌ علیکم. از آقای دکتر قنادی به شخصه تشکر می‌کنم که کار ما

را ساده‌تر کردند. از این جهت که در طی صحبت‌هایم کسی ما را متهم به غلو نکند.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِغُونَ
الزَّكَاةُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النََّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَّرِ
الْمُؤْمِنِينَ» (آیه ۱۱۲ سوره توبه) از میان آیه‌هایی که معدودند و می‌شود استاد فرزانه جناب آقای
دکتر فرهودی را با آن وصف کرد بنده این آیه را انتخاب کرده‌ام. آیه‌ای است که بعد از آیه «إِنَّ
اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ» آمده است.

بنده قرار است که در خصوص نقش آقای دکتر فرهودی در گروه مهندسی آبیاری و
آبادانی دانشگاه تهران، با زبان قاصرم مطالبی را در این نشست صمیمانه به عرض برسانم. حدود
۱۰ سال بعد از تأسیس گروه مهندسی آبیاری و آبادانی در دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر
فرهودی وارد گروه شدند و بنده ایمان دارم گروه در مدت ۴ سال که اگر امروز به عقب
برگردیم می‌بینیم که چه زود این ۴ سال‌ها گذشتند! آنچه را که می‌توانست، به آقای دکتر

* عضو هیأت علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

فهودی عرضه کرد و من می‌خواهم به آقای دکتر یاسی این را عرض کنم که آن ۲۹ سال، اثرگذاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران است.

اما جُود و عطای آقای دکتر فهودی به مجموعهٔ گروه آبیاری و آبادانی دانشگاه تهران و دانشجویان آن از نظر مدت از ده برابر گذشت. و از نظر مقدار حسابش ادامه دارد و جاری است، مثل جریان آب. با توجه به کمبود متخصص آب در دههٔ اوّل انقلاب، یکی از فعالیت‌های آقای دکتر فهودی تعریف دوره‌های کارشناسی ارشد که توسط گروه مهندس آبیاری و آبادانی به اجرا در آمده بود. امروز آقای دکتر خلیلی که جایشان در این مجلس خالی است و حال خوبی هم نداشتند، پیام داده‌اند، می‌گفتند که برای این دوره‌ها، آقای دکتر فهودی از صفر تا صدش در برنامه‌ریزی و اجرایشان کمک کردند.

امروز قریب به اتفاق کارشناسان محترم شرکت کنندهٔ آن دوره‌ها، جایگاه رفیعی در سرتاسر مملکت و در خدمت به نظام مقدّس جمهوری اسلامی دارند. بنده نام آقای دکتر فهودی را در همان دوران سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ که قرار بود این دوره‌ها تشکیل شود شنیده بودم، اما توفیق نیافتم که خدمت ایشان برسم. اولین شناخت من از ایشان، یک شناخت علمی، اعتقادی و به نوعی تصادفی بود. در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳ میلادی) روی رسالهٔ خودم کار می‌کردم و مقالات را نگاه می‌کردم، روی آب شُستگی موضعی کار می‌کردم. روی موضوع خاصی جستجو

می‌کردم، نه جستجوی سادهٔ امروزی بلکه با کاوش در کتاب‌ها و ژورنال‌های قطور که آقای دکتر شاید یادشان باشد، به مقاله‌ای از ایشان برخورد کردم و به نقدی که از آقای بلایس دل از کارشناسان بسیار بسیار خبرهٔ مهندسين ارتش آمریکا در سال ۱۹۸۳ بر مقالهٔ تایم اسکیل ایشان داشتند یعنی همان مقاله‌ای که آقای دکتر فرهودی با آقای دکتر اسمیت آن را نوشته بودند. موضوع اصلی این مقاله، تغییرات زمانی آب شستگی بود که آقای دکتر فرهودی بعد از پاسخ علمی به نقد ایشان، به زبان موجز و شیوا آشفنگی جهان را یادآور می‌شوند. ایشان بعد از پاسخ به مطالب و صحبت علمی، موضوع آشفنگی دنیا را مطرح می‌کنند و به ضرورت حل و فصل شدنش اشاره می‌کند.

پس از پیوستن ایشان به گروه مهندسی آبیاری و آبادانی، آقای دکتر فرهودی در هدایت دانشجویان، ارتباط با صنعت و تأمین تجهیزات آزمایشگاهی، نقش سازنده و ماندگاری داشتند و هنوز هم دارند. اما بنده می‌خواهم به نقش ماندگارتری از آقای دکتر فرهودی و آن تأثیرشان بر اطرافیان‌شان بگویم بدین جهت از همکاران درخواست کردم هر کدام جمله‌ای در خصوص ایشان به بنده بدهند و از یک دانشجوی که الان در خارج از کشور هست نیز خواهش کردم که به نمایندگی از دانشجویان، او هم یک جمله‌ای بگوید. نتیجهٔ آن این است که آیت‌م‌وار خدمت‌تان عرض می‌کنم:

مردم‌دارترین شخصیتی است که در تمام عمرم دیدم، این‌ها را از همکارانمان در گروه جمع کردیم. چهره بشاش و خوش‌رو، کلام شیرین و نافذ و مزاح‌های به‌جا و باوقار، نظم در حدّ اعلاء، وفای به عهد، پاسخ‌گو بودن به مراجعات در کلیه سطوح، خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ وَ كَلَامِ نافذ، در با او بودن فرد احساس نگرانی نمی‌کند، رئوف و سرشار از انرژی، رعایت حقِّ النَّاسِ در تمام فعالیت‌ها از جمله اینکه ساعات حضورشان در بالاترین سطوح دستگاه‌های اجرائی دیگر غیر از وزارت علوم، شرطشان برای تشکیل جلسات این بود که بعد از ساعات اداری وزارت علوم باشد. یاد آور انسان متعهد و وظیفه‌شناس در کلیه امور، آموزش ایشان با عمل و کردار و رفتار بود. یکی از دوستان نوشت: نگارش این یک جمله از نوشتن یک مقاله علمی برایم به مراتب سخت‌تر بود که جمله آن این است: استاد ارجمند جناب آقای دکتر فرهودی عزیز، آموزه‌های ارزشمندتان که در پرتو چهره نورانی و با بیان شیوا و به پشتوانه کلام ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بوده است، همواره چراغ راه ماست. نمونه یک دوست خوب، یک استاد خوب، یک همکار خوب و یک مشاور امین و قابل اعتماد که این آخری از آقای دکتر خلیلی است. اما اگر آقای دکتر فرهودی به من اجازه بدهند، آن دانشجو یک نوشته بلند بالائی را داده بود که من فرصت خواندش را در اینجا ندارم. وقتی مرور کردم دیدم که یک عبارتی از شما در آن به عاریت بُرده که بنده همان عبارت را برداشتم و اینجا آوردم که خلاصه صحبتش هم همین است،

این جمله به اعتقاد من برای نماینده دانشجویان است؛ اگر بخواهم همه مطالبی از درس که از استاد مکرم جناب آقای دکتر فرهودی یاد گرفتیم بیان کنم، فارسی تمام می شود که هیچ، زبان های دیگر هم کم می آورد. مگر غیر از این است که اگر همه این را جمع کنیم، این می شود.

وَ الْحَافِظُونَ لِخُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ.



* مهندس محمد کیانفر

جدیت استاد در همسویی نحله‌های فکری

سلام عرض می‌کنم خدمت همه بزرگواران، برای این که از زمان محدود اختصاص داده شده بیشتر استفاده کنم مجبورم مطالبی را که تهیه کردم از روی متن تهیه شده خدمت عزیزان و بزرگواران به عرض برسانم.

عرض سلام و احترام خدمت تمام حضار گرامی، قبل از این که عرایضم را بیان کنم، وظیفه خود می‌دانم، از بنیاد ملی نخبگان و به پاس نکوداشت از مقام و جایگاه رفیع علمی، فرهنگی و مدیریتی - که پیشنهادم این است که بنر کامل بشود - جناب آقای دکتر فرهودی که جزو اصلح‌ترین و شایسته‌ترین انتخاب‌ها محسوب می‌شوند، قدردانی کنم و همین‌طور این انتخاب را خدمت استاد بزرگوار جناب آقای دکتر فرهودی و کلیه دانشگاهیان، فرهیختگان، اساتید، دانشجویان، همچنین مدیران و کارکنان صنعت آب کشور، تبریک و تهنیت عرض کنم.

زمانی که از بنیاد نخبگان با بنده تماس گرفتند و چنین مأموریتی را به اینجانب محول کردند، بسیار خوشحال شدم و همچنین نگران، خوشحالی از این بابت که این توفیق نصیب بنده، شاگرد کوچک آقای دکتر گردید تا بتوانم گوشه‌ای از عملکرد مدیریتی و اجرایی جناب آقای

دکتر فرهودی را در صنعت آب و در این جمع ارزشمند و فرهیخته بیان کنم و نگرانی از این که در این زمان کوتاه سخن گفتن از ابعاد وسیع مدیریتی ایشان و بیان ناقص من بسیار مشکل است که نتوانم حق مطلب را آن‌طور که باید و شاید بیان کنم. بنابراین مطالبی را که به حضورتان خواهم رساند، می‌تواند اشاره آدرس‌های کلی از رویکرد و عملکرد و اعتقاد و باور این استاد گران‌قدر باشد و یقین دارم این جمع فرهیخته با اشاره‌های کلی و ناقص بنده به خوبی می‌توانند، تحلیل و تصویر کامل‌تری را از عملکرد ایشان داشته باشند.

جناب آقای دکتر فرهودی از دی ماه سال ۱۳۶۰ تا آذرماه سال ۱۳۶۱ یعنی ۱۱ ماه به عنوان مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره آب منطقه‌ای آذربایجان، که در آن زمان آب منطقه‌ای سه استان آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل را تحت پوشش قرار داشت، مسئولیت آن سازمان را عهده دار شدند و در آن موقع بنده یکی از مدیران سازمان مذکور بودم و از جناب آقای دکتر فرهودی اجازه می‌خواهم بدون اغراق مواردی را که از خصوصیات بارز ایشان و به اعتقاد بنده و همه شاگردانش بسیار ارزشمند از فعالیت‌های سازه‌ای و اجرایی ایشان می‌باشد به آنها اشاره کنم. در مقطع زمانی مذکور که شرایط اقتصادی، اجرایی و اجتماعی کشور متأثر از شرایط جنگ تحمیلی بود، و ضعف برنامه‌ریزی و یا نبود برنامه‌های راهبردی در سازمان‌ها و همچنین اعمال سلاقی مختلف و قائم به فرد بودن فعالیت‌ها عملکرد سازمان را تحت تأثیر خود قرار داده

بود، حضور جناب آقای دکتر فرهودی در آن مقطع زمانی در آب منطقه‌ای به‌مراه شخصیت والای انسانی، علمی و منش و روش اخلاق‌مدارانه و مدبرانه خود، انجام بخشی و ایجاد خودباوری و اعتمادبنفس در بدنه سازمان را موجب گردید. و نهادینه کردن فرهنگ همسوئی همه نَحله‌های فکری را در راستای اهداف سازمانی به عنوان یک سنگ بنای محکم برای مدیران بعدی سبب گشته و به یادگار گذاشته‌اند. ایشان از بدو ورودشان توجه ویژه به توسعه منابع انسانی داشتند و توجه به جایگاه و کرامت انسانی از ویژگی‌های بارز ایشان به حساب می‌آید. در ارتباط با برنامه‌های اجرایی ایشان، توجه ویژه به شروع و تکمیل مطالعات طرح‌های اولویت‌دار در استان‌های تحت پوشش را داشتند و اولویت را به مطالعات یا تکمیل رودخانه‌های مرزی دادند که یکی از عمده‌ترین این طرح‌ها در حوزه‌های آرس می‌توان طرح‌های خداآفرین را نام برد که هدف و جدیت ایشان بیشتر حقایق مرزی و سهم ایران از این رودخانه‌ها بود. به طوری که در اوایل دهه شصت مدیران بعدی ایشان و سازمان مذکور علی‌رغم مسایل بسیار پیچیده سیاسی و مناقشات مرزی حاکم در آن منطقه طرح را به مرحله اجرا درآوردند که امروز عملیات اجرایی تکمیلی این طرح‌ها در مناطق مورد هدف با سرعت بالائی انجام می‌پذیرد.

همچنین مطالعات طرح‌های مهم در استان‌های تحت پوشش، از جمله در ارتباط با حل بحران آب شرب شهرها و آب شرب صنایع کلان‌شهر تبریز که یکی از بحران‌ترین شهرهای

کشور در آن مقطع زمانی از لحاظ آب شرب به حساب می‌آمد و مطالعات طرح انتقال آب از زرین‌رود به تبریز که در بستر مناسبی که آن موقع تهیه شده بود شروع گردید و بعد از ایشان عملیات اجرائی این طرح‌ها توسط مدیران بعدی محقق گشت. همین‌طور تکمیل مطالعات طرح‌های توسعه منابع آب که در برنامه اجرائی آنها، از چند سال بعد شروع گردید که از جمله آنها به سد علویان و سایر طرح‌های آذربایجان غربی که عمدتاً شکل‌گیری همین طرح‌ها و مطالعات‌شان در مقطعی که آقای دکتر فرهودی در آب منطقه‌ای آذربایجان تشریف داشتند، صورت پذیرفت.

از موارد مهم دیگر، توجه ویژه ایشان در این مدت زمان کوتاه به طرح‌های زودبازده بود که این طرح‌ها علاوه بر این که مراحل مطالعاتی و اجرائی آنها، در مدت زمان کوتاهی هم انجام می‌پذیرفت عمدتاً طرح‌هایی بودند که با مسائل زیست محیطی حداقلی و خسارت حداقلی و با مشارکت خود ذینفعان نقش اساسی را در تثبیت و جلوگیری از مهاجرت و ارتقاء سطح معیشتی و تولیدی مناطق مذکور داشتند.

در ارتباط با دوران خدمتی ایشان در مسئولیت معاونت امور آب که از مقطع سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ حدود چهار سال، باز با همان الگوهای شخصیتی و علمی و رویکردی خودشان در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت اصولی منابع آب کشور به صورت بنیادی تأثیرگذار بوده

و حضور ایشان در مسئولیت معاونت آب وزارت نیرو، در مقطعی که کشور در شرایط خاص قرار داشت و شرایط حاکم و متأثر از شرایط جنگی باعث تنگناهای شدید اقتصادی گشته بود و محدودیت منابع را باعث شده بود، حضور جناب آقای دکتر در وزارت نیرو و در این مسئولیت باعث شد که ساختارها و بنیان‌های کارشناسی، مدیریتی جامع و راهبردی در حوزه آب وزارت نیرو در مسیر تغییر و تحول قرار گیرد.

در آن زمان ظرفیت‌های اجرایی داخلی که مدیریت اجرایی مهندسان مشاور، پیمان‌کاران و سازندگان را شامل می‌شد با رفتن شرکت‌های خارجی به دلیل محور بودن آن شرکت‌ها در کارهای مهندسی و در اجرای زیرساخت‌های آبی کشور را دچار خلاء و در شرایط بلا تکلیفی قرار داد و تعدادی از پروژه‌های مهم در زمینه تأمین و انتقال آب و خدمات مهندسی به تمام رها شدند. سازماندهی قراردادهای ناتمام و تکمیل طرح‌های نیمه تمام باز نیاز به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اقدام عملی داشت که با درایت و مدیریت علمی و عملی ایشان و با تشکیل گروه‌های کاری و کارشناسی خُبره و متعهد در حل مسائل زیرساختی و مدیریتی آب منشاء اثرگذاری عمیق شدند. و همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، ظرفیت‌سازی و ارتقاء و اصلاح ساختار و سازماندهی منابع انسانی در حوزه امور آب که از اقدامات اساسی در این محور را می‌توان به تأسیس شرکت‌های مهندسی که در رأس آن شرکت مهندسی مه‌اب قدس به عنوان

بزرگترین شرکت مهندسی آب کشور که نقش حاکمیتی را بر عهده داشت، و خلاءهای مهندسی و در توسعه زیرساخت‌های صنعت آب کشور نقش بسیار بارزی را ایفا کرد و در دهه‌های اخیر ما شاهد عملکرد و اثرگذاری همچون شرکت‌هایی در کشور هستیم که همین‌طور تشکیل شرکت‌های مهندسین مشاور در اقصی نقاط کشور از جمله شرکت‌های طوس‌آب، دزآب، زاینده‌آب و هلیل آب را می‌توان نام برد.

از موارد مهم و بنیادی دیگر در دوران خدمت جناب دکتر فرهودی می‌توان به شکل‌گیری و فعالیت شرکت جاماب برای بازنگری و تداوم مطالعات جامع منابع آب و استراتژی‌های توسعه منابع آب را نام برد که این شرکت برای بازنگری و ادامه مطالعات طرح جامع آب که قبل از انقلاب بخشی از این مطالعات توسط سازمان برنامه و بودجه و بعد از آن توسط شرکت دی اند آر (D&R) انجام پذیرفته بود، مشاور جاماب مطالعات را در چند مرحله انجام داد و در چارچوب و مستندات مؤثری در پایه‌گذاری تفکر مدیریت جامع و به هم پیوسته آب که به شمار می‌رود و هرچند در مقاطع مختلف زمانی و نسبت به شرایط حال و آینده لازم است که مطالعات به طور مستمر به روز و بازنگری شود.

پایه‌گذاری و ساماندهی و تهیه ضوابط و مقررات استانداردهای فنی مهندسی صنعت آب؛ صنعت آب با تشکیل هسته‌های کارشناسی مجرب و متخصص و زنجیره خدمات فنی و

مهندسی و با استفاده از توان کارشناسی و استانداردهای تخصصی بین‌المللی از اقدامات مهم ملی ایشان بوده که این اقدام ارزشمند توانسته ضوابط، دستورالعمل‌ها، شرح خدمات و استانداردهای مورد نیاز صنعت آب را فراهم نماید.

از اقدامات مهم دیگر ایشان، همکاری و مشارکت در تدوین و تصویب قانون توزیع عادلانه آب و جایگزینی این قانون با قانون ملی آب که در چهارچوب قانون توزیع عادلانه آب، مدیریت آب کشور تاکنون راهبری شده است و فعال بودن کمیته علمی آبیاری زهکشی ایران و نایب رئیسی ICID (کمیسیون بین‌المللی آبیاری و زهکشی) و همین‌طور IRCOLD (کمیته ملی سدهای بزرگ ایران) و همچنین IHP (کمیته ملی آبشناسی یونسکو) را می‌توان از دیگر فعالیت‌های جناب آقای دکتر نام برد. و همین‌طور از اقدامات بسیار مهم در توسعه در طرح‌های منابع آب، بسترسازی مطالعات، طرح‌های کلان و ملی از جمله طرح‌های حوزه کارون و کرخه را می‌توان نام برد.

و همان‌طور که قبلاً عرض شد موارد مطرح شده بخشی از نقش تعیین‌کننده جناب آقای دکتر فرهودی در ساماندهی شرایط بلا تکلیف دوران گذشته در زمینه‌های سیاست‌گذاری و نهادسازی و برنامه‌سازی‌های مدیریتی منابع آب می‌باشد و از ویژگی‌های بارز و استثنائی ایشان با دارا بودن جایگاه شامخ علمی در عرصه علمی دانشگاه‌ها و تجربه مدیریتی و اجرایی

ارزشمندشان در دولت، ایشان به تنهایی و همواره یک نقش اثرگذار در ارتباط صنعت با دانشگاه را ایفا نمودند. و خدماتشان در حال حاضر در زمینه‌های مشاور علمی و تجربی در صنعت آب کشور بسیار مغتنم می‌باشد و ایشان همواره با رفتارشان اثرگذار بودند و همین‌طور آثار عملکردشان در صنعت آب، از اول انقلاب تا به حال را به راحتی می‌توان ردیابی کرد و حضورشان در صنعت آب کشور نقطه عطفی در این صنعت به حساب می‌آید. و این‌جانب در طی ۳۵ سال گذشته به عنوان یک شاگرد کوچک ایشان که افتخار همکاری مستقیم و غیرمستقیم با جناب آقای دکتر فرهودی را در وزارت نیرو داشته‌ام سعی کرده‌ام از سجایای رفتاری و مدیریتی ایشان اثر گرفته و در روش‌های مدیریتی خود به کار بیندم و امیدوارم سایر خدمت‌گزاران کشور نیز راه ایشان را تداوم بخشند. برای ایشان آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون دارم.



* دکتر حسینعلی بهرامی

واکاوی علت گسست فنآوریهای پیشینیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ إِنَّهُ خَيْرُ النَّاصِرِ وَ مُعِينٌ

سلام. از یکی از مجموعه‌هائی که مشورت خواسته شد، برای انتخاب فرد نمونه در بخش آب، مجموعه ستاد توسعه فناوری آب بود. من بلافاصله وقتی بنیاد نخبگان استان تهران تماس گرفت، به ذهنم رسید که جناب آقای دکتر فرهودی را معرفی بکنم، منتهی یک سیاستی به خرج دادیم، از چند نفر از عزیزان خواهش کردیم که در واقع یک شوری بکنند و فرد مورد نظر را انتخاب نکنند. از آقای دکتر بنی‌هاشمی، از آقای دکتر صلاح کوچک‌زاده، از آقای دکتر ایوب‌زاده از دانشگاه‌های مختلف خواهش کردیم که این را بکنند و خوشبختانه این عزیزان بالاتفاق رأی بر انتخاب شخصیت عزیز، دوست‌داشتنی و بزرگوار آقای دکتر فرهودی دادند. خُب دستان از شخصیت علمی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی آقای دکتر صحبت کردند، من قرار است که یک مقدار متفاوت صحبت کنم. دوستان از رهرو گفتند، من یک مقدار می‌خواهم از راه بگویم. البته فضای جلسه را که دیدم یک مقداری تردید کردم که اصلاً بحثم را مطرح بکنم یا نه؟ ولی باز به خودم نهیب زدم که چه جمعی بهتر از این جمع که عزیزان و صاحب‌نظران در بخش آب و

مسائل مختلف فناوری هست. چه بهتر که این مطالب که دردِ دل همهٔ ماست در این جمع مطرح بشود. اگر اطالۀ کلامی می‌شود، پیشاپیش پوزش می‌طلبم.

خُب یک بحثی را من آماده کردم، امیدوارم که بتوانم از پس آن بریایم. برای این که وقت جلسه محدود هست و منتظر هم هستیم تا از فرمایشات آقای دکتر فرهودی استفاده کنیم سعی می‌کنم خیلی مختصر بیان کنم.

پیشینهٔ فناوری‌های بومی آب و خاک و واکاوی علت گسست تأثیر آنها در روند پیشرفت کشور موضوع بحث است. خُب یک مقدمه کوتاهی عرض می‌کنم: اگر بخواهیم به صورت کلی میراث پیشینان را بیان بکنم یکی آثار مکتوب است و یکی آثار فیزیکی؛ آثار مکتوب در واقع پژوهش‌های مهندسی هست که پژوهش‌گران ایرانی و غیر ایرانی مفصل کار کردند و پژوهش‌های تاریخی نیز می‌باشد. از نگاه دیگر آثار مکتوب حوزهٔ آب در تاریخ ایران یکی نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی است و یکی کُتب و مقالاتی که به‌طور اختصاصی به مبحث فناوری‌های مرتبط با آب پرداخته‌اند. و یکی دیگر هم کُتب و مقالاتی که به صورت کلی به بررسی و شرح سازه‌های آبی موجود در ایران مانند قنات و آب انبار و سدها و بندها و... پرداخته‌اند. البته دیدگاه بیشتر این پژوهش‌ها یا پژوهش‌گران دارای کاستی‌هایی است. آثاری که با دیدگاه ترکیبی از علم مهندسی و تاریخی به مبحث فناوری‌های آب و همچنین کشاورزی در

ایران باستان پرداخته باشند، محدود است. یعنی در واقع تقریباً می‌شود گفت که تک‌بعدی است، یا تاریخی است و یا در واقع مهندسی است.

از جمله آثار خوب هم که تاریخ کشاورزی و دامپروری در ایران است به غیر از آثار مکتوب، آثار فیزیکی مرتبط با کشاورزی در ایران را البته با استفاده از منابع مختلف به ۵ دسته تقسیم کرده‌ام؛ **دسته اول**: فنآوری‌های مرتبط با تأسیسات ذخیره آب مثل سدها، آب انبارها، چاه‌ها و حوضچه‌های ذخیره آب، **دسته دوم**: فنآوری‌های آبیاری و انتقال آب مانند بندها، کانال‌های آبیاری، دستگاه‌های انتقال‌دهنده آب که در مسیر رودخانه‌ها قرار می‌گرفتند. **دسته سوم**: فنآوری‌های مرتبط با استخراج آب‌های زیرزمینی مثل چاه و قنات، **دسته چهارم**: تأسیسات و سازه‌های چندمنظوره که مصداق بارز آن سازه‌های آبی شوشتر و آسیاب‌های آبی قناتی می‌باشد. و **دسته پنجم**: فنآوری‌های تخلیه آب‌های زائد یا دفع فاضلاب می‌باشد.

خُب نمونه‌هایی از فنآوری‌های ایرانیان باستان در بخش مدیریت آب که این عناوین آشناست را من فقط جمع کردم: حفر قنات‌ها در جای‌جای مناطق خشک ایران؛ باغ‌های زیرزمینی انگور در بوشهر؛ کاشت صیفی‌جات در چاله‌های کویری کاشان که بنده تقریباً هر سال به اتفاق دانشجویانم به آنجا می‌روم و بازدید می‌کنم، بسیار نمونه ارزنده و جالبی است از تلفیق علم و فنآوری که البته متأسفانه در حال فراموشی است؛ جمع‌آوری آب باران برای مصارف

شُرَب و کشاورزی در شیراز؛ جمع‌آوری روانآبها در چاهکوه قشم؛ جمع‌آوری جریان‌های سطحی زمستانه در آب‌انبارها؛ سند شیخ بهایی برای توزیع آب زاینده‌رود.

اکنون می‌خواهم یک نگاه هم به سایر حوزه‌ها بکنم، بعد به حوزه آب برمی‌گردم. مجبورم این بخش را علیرغم گستردگی بحث، خیلی سریع از آن عبور بکنم. یکی از مثال‌هایی که می‌شود زد در واقع پیشینه فناوری و نبوغ در بخش حمل‌ونقل است. اسناد موجود پیشینه حمل‌ونقل را در ایران حداقل تا زمان هخامنشی نشان می‌دهند، ارابه‌های مستحکم و پیشرفته به نسبت زمان، که وسیله‌ای سریع و چابک در اختیار ایرانی‌ها بوده و جنگاوران و چابارهای ایرانی از این ارابه‌ها استفاده می‌کردند. یکی از این ارابه‌های زرین که ارزشمندترین میراث تاریخی ایران است در تاجیکستان یعنی در ایران بزرگ کشف شد که در واقع در آن چهار اسب یک ارابه را می‌کشند که دو ایرانی که لباس مادها را بر تن دارند در آن دیده می‌شوند. در عصر صفویه این ارابه‌ها به کالسکه تبدیل می‌شوند که معمولاً با چند اسب کشیده می‌شوند و با خودروهایی که اولین بار در اروپا ساخته شده در واقع شباهت زیادی دارند. حالا من می‌خواهم از این مثال استفاده بکنم و به گسست در فناوری حمل‌ونقل اشاره بکنم. با ورود خودرو در اروپا همان کسانی که دُرشکه و گاری را می‌ساختند، خودروساز شدند. کسانی که موتور می‌ساختند به آنها اضافه شدند، یعنی همان درشکه‌چی‌ها راننده خودرو شدند و یک انتقال آرام و توسعه

پیوسته صورت گرفت. در ایران ناگهان یک گسست اتفاق افتاد که کسانی که تجربهٔ صدها و بلکه بیش از ۲۰۰۰ سال سابقهٔ ساخت اجزای مختلف این ازابه را که مثال زدند، یک‌دفعه بیکار شدند و این بخش وسیعی از جامعه کنار رفت. این جای بررسی دارد که وقتی واقعاً هزاران نفر شغلشان را از دست می‌دهند و مهارت‌ها بی‌معنی می‌شود، چه بلایی سر مهارت‌ها و فنآوری‌ها می‌آید؟

مثال دیگر در بخش معماری است که شهر سوخته که گفته می‌شود حدود هفت هزار سال سابقه دارد بیان‌گر مدیّت شهری در ایران بوده است. در همهٔ این بناهایی که من فقط مثال‌هایی را ذکر کردم مثل ارگ بم، زیگورات شوش، بُرج کاووس و تخت جمشید معماری، مهندسی و جامعه‌شناسی در واقع در کنار هم قرار گرفته و ما تبلور این‌ها را در تک‌تک این آثار می‌بینیم که هر کدام از این‌ها توضیحات زیادی دارد.

مثال دیگر از معماری آب‌انبارها و کاخ‌ها و مساجد و بازارها هستند. مثال دیگر از معماری در واقع حمام‌ها هستند البته نه آن حمام‌هایی که در زمان پهلوی اول به دلیل مسائل بهداشتی، بسته و تعطیل شدند. خُب حتی آثار کشف شده نشان می‌دهد که تمام مقدمات یک استحمام خوب و بهداشتی و درست در آن رعایت شده بود. کسی با بدن آلوده وارد خزانه نمی‌شد و قصّ علیهذا. با کنار رفتن معماری ایران به یک‌باره، هزاران فوت‌وفن معماری کنار

گذاشته شد. نکته مهمی که هست این است که برخلاف آثار معنوی ما، آثار مادیمان مثل پدیده‌های فیزیکی و معماری به صورت مدون در ایران تدریس نمی‌شده است و تنها سینه‌به‌سینه منتقل می‌شده است؛ بعضی از این مظاهر در یک مرحله برمی‌گردد به همین استخرهایی که آب گرم، جکوزی و اینها است که در واقع بعد از ایران به اروپا رفت، با یک صورت بزک شده و البته شاید مناسب‌تری برگشت و الان کسی شاید نداند که این‌ها پیشینه همان فناوری‌های داخلی خودمان هست.

سرنوشت دیگر و یا مثال دیگر در مورد ابزارهاست. دیسک خرمن کوب که با چه مهندسی دقیقی ساخته می‌شده، با چه وزنی، با چه محورهایی؟ چرخ نخریسی که در واقع شاید بتوانیم بگوئیم که همین کارخانه‌های نخریسی که الان هست، به نوعی برگرفته از همین فناوری ایرانی است. بادگیرها که در واقع شاید بتوان گفت که دستگاه کولر آبی که اختراع ایرانی‌هاست و متأسفانه در حال انقراض هست.

مثال دیگر گسست در فناوری‌ها و حرفه‌ها است. شما جمعی که اینجا هستید البته به لحاظ سنی جسارت نشود، حتماً به یاد دارید که ما کفاشی‌هایی داشتیم که پشت آن کفش می‌دوختند و جلوی فروشگاه بود، الان شما چندتا از این‌ها را در تهران می‌توانید پیدا بکنید؟! شاید ۹۰ تا ۹۹ درصد کفش‌ها دیگر تولید خارجی هست و ما فقط فروشنده هستیم و

استفاده‌کننده آن می‌باشیم. مثال دیگر می‌تواند پیراهن‌دوزی‌ها باشد که یک حرفه بود و متأسفانه تعطیل شد. یا قفل‌سازی‌ها که الان فقط دکور آن در بعضی موزه‌ها چون موزه تبریز هست. چاقوسازی و آلات بُرنده که الان فقط هرکسی به زنجان می‌رود و برمی‌گردد به عنوان هدیه چیزی از آن می‌گیرد و تبدیل به وسایل غیر ضروری شده است، در حالی که همه این‌ها وسایل ضروری بودند.

خُب با این مقدمه اینک می‌خواهم به گسست در فناوری‌ها و حرف مرتبط با آب اشاره کنم. قنات‌ها، آب‌انبارها، آبیاری کوزه‌ای یزدی‌ها، باغ‌های زیرزمینی بوشهری‌ها، چاله‌های سمبک و چارتاقی کاشانی‌ها، هوتک‌ها و بندسارهای خراسانی‌ها، چاله‌های آبگیر انجیرستان‌های دیم اسطهبانی‌ها، چاه‌های جمع‌آوری روان‌آب‌های چاه‌کوه قشمی‌ها، آب‌بندان‌های گلستانی‌ها، سیستم توزیع آب زاینده‌رود اصفهانی‌ها، تراس‌بندی‌های زمین‌های شیب‌دار محلاتی‌ها، سازه‌های آبی خوزستانی‌ها، آبگیر زیبای شاهگلی تبریزی‌ها، آبگیرهای متعدد نقاط خشک ایران، چاله‌های ذخیره و نفوذ آب صیرافی‌ها؛ خب این‌ها را دیگر الان باید تصاویرش را دید و فقط اوصافش را شنید.

اما نتیجه‌ای که من می‌خواهم بگیرم این است که آیا اوج آن گسست، همین الان نیست؟ من این‌ها را نمی‌گویم که توصیه کنم به گذشته برگردیم. من عرضم اینست که پیشرفت باید

یک عقبه‌ای داشته باشد که این عقبه فناوری‌ها و علم بومی کشور است. الان از نظر دانشگاه‌ها، فارغ‌التحصیلان، مقالات علمی و بعضی از فناوری‌های جدید، پیشرفت‌های بسیار خوبی داشته‌ایم. جناب آقای دکتر امید اینجا تشریف دارند، ولی اگر به گذشته خود توجه نکنیم و عقبه را ویران کنیم، جامعه و تحصیلکرده‌های ایران از روی پلی عبور خواهند کرد که ناخواسته بخش‌های عمده آن در حال فرو ریختن است.

عدم توجه به عقبه فناوری‌های بومی به مثابه عبور از روی پلی است که بخش‌های عمده آن در حال فرو ریختن است. این‌ها باید بررسی شود. نمی‌دانم چقدر فرصت داریم که این بررسی‌ها را صورت دهیم؟ من به دیدگاه خودم این سوال را دارم که البته خدمت عزیزان جسارت نشود، همه صاحب نظر هستند، همه اساتید ارزشمند بنده هستند، چرا این گسست‌ها اتفاق افتاد؟ چرا!! ما خودمان و داشته‌هایمان را درست نمی‌شناسیم، شناخت مهارت‌های خودمانی غالباً ضمنی بوده و به صورت صریح مکتوب نشده و در کلاس‌های درس تدریس نشده است. نوآوری و تبدیل آن مهارت‌ها به فناوری‌های علمی کردن آنها اتفاق نیفتاده است. تولید زیاد محصول انجام نشد، فناوری به دست آمد، اما صنعتی نشد و محصول زیاد تولید نشد، پس نتوانست رقابت بکند. برای جمعیت زیاد، تولید سنتی جواب نمی‌دهد، حتماً باید صنعتی شود. در اروپا احساس نیاز به نوآوری به علاوه کنجکاوی و انفجار جمعیتی به تولید فناوری و تولید صنعتی کمک کرد.

در ایران هیچ کدام از آن دو در آن زمان اتفاق نیفتاد، متأسفانه در برهه‌هایی "خود" فراموش شد و تجارت تاریخی و فناوری‌های به‌دست آمده با رویکرد انطباق با مبانی علمی جدید بررسی نشد، به عبارتی استفاده از تجارب گذشتگان برای مدیریت امروزی کارآمد و روزآمد نشد و به نوآوری‌های جدید نینجامید و فقط به صورت پراکنده و بر مبنای ذوق، سلیقه و علایق فردی در برخی نوشته‌ها مورد توجه قرار گرفت، آن هم با افتخار به این که گذشتگان چنین و چنان بوده‌اند، در حالی که می‌توانست و می‌تواند مبنای حرکت علمی درون‌زا قرار گیرد. حالا راهکار چیست؟

من جسارت نکنم! اگر جامعه به دنبال آن رفت که محصولات آماده را منتقل و استفاده کند، از این واقعیت غافل می‌شود که ساختن باغ یا جنگل با انتقال درخت انجام نمی‌شود بلکه با کاشت بذر و نهال انجام می‌شود. بذر و نهال را هم باید شناخت و تیمار کرد. نوآوری نوآوری نوآوری؛ همه فناوری‌ها محاسبات و تفکر داشته و اگر بخواهد ابزار جدید تولید بشود، هنوز کندوکاو باید صورت پذیرد که البته هنوز دیر نشده است. از آیه ۱۰۵ سوره مائده استفاده کنم که می‌فرماید: یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ اَنْفُسِکُمْ؛ که بعضی‌ها این را به شناخت تفسیر می‌کنند. در واقع دو کلمه است عَلَیْکُمْ اَنْفُسِکُمْ، بر شما باد خود شما. در ژاپن مجدداً از توجه شما متشکرم.



* دکتر جواد فرهودی

سخنرانی دکتر جواد فرهودی

سلام علیکم.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

سخن به نام خداوند می‌کنم آغاز
یتیم را زگرم می‌کند بلند آواز
خدای لم یزل و بنده پرور ستار
که عیب خلق به غیرش نمی‌کند ابراز
شمار نعمت او در ثنا نمی‌گنجد
ولو به سجده صدساله‌ای شوی ممتاز

بسیار خوشحالم که در خدمت شما عزیزان بزرگوار هستم، ابتدا بزرگ می‌داریم هفته دفاع مقدس و هفته نیروی انتظامی را و درود می‌فرستیم به روح پرفتح شهدای عزیز و امام شهداء و بزرگ می‌داریم و عرض ادب می‌کنیم به ساحت مقدس حضرت ولی عصر و نائب برحقش که امروز افتخار رهبری ایشان را در این جامعه داریم.

ابتدا تشکر می‌کنم و سپاس می‌دارم بنیاد نخبگان استان تهران را که این حقیر را لایق دانستند و اعتماد کردند و نیز دوستان بزرگواری که زحمت تشریف‌فرمایی را در این جلسه به خود هموار کردند و بر سرفرازی بنده افزودند. لازم می‌دانم که از این بزرگواری و از این

لطفی که در حق من شده است، نهایت سپاس و شکر را به خداوند بزرگ و بعد از آن به ساحت دوستان بزرگوار خود عرضه بدارم که هر چند خود را لایق این نمی‌دانم. من عصری با یکی از دوستان صحبت می‌کردم که ما روز پنج‌شنبه در خدمت آقای قرآنتی بودیم، ایشان گفتند که "بمن گفتند آقای دکتر!" گفتم که من دکتر نیستم، بعد به آیه ۱۸۸ سوره آل عمران اشاره کردند و گفتند کسانی دوست دارند آنها را برای کار ناکرده حمد و ثنا کنند و لایق این حمد و ثنا نباشند یقیناً اهل عذاب هستند. من این را به یکی از دوستان گفتم، ایشان گفت: که شما خودتان انتخاب نکرده اید و دوست هم نداشتید که شما را تجلیل کنند. یک عده پیدا شدند و شما را تجلیل کردند؛ داستانی را برای ایشان گفتم که چون دیگر خیلی خسته شده‌اید این داستان را که یک بندی از مولوی است خدمت‌تان عرض می‌کنم تا یک ادخال سُروری بشود و من نیز بتوانم صحبت‌م را شروع کنم. مُولانا در اشعارش می‌گوید که شیخی با همسرش که همراهش بود در مسیری می‌رفت، بعد در مسیر، راهزن‌ها ایشان را گرفتند و دست شیخ را بستند و از خانم ایشان خواستند که برقصد. این خانم امتناع کرد، تهدیدش کردند؛ باز امتناع کرد، بالاخره تهدید به مرگش کردند و این خانم مجبور شد تا پایکوبی کند. این قضیه تمام شد و به خانه برگشتند. همسر شیخ رو به شیخ کرد و گفت: ببخشید شما دیدید که مرا مجبور کردند؛ شیخ جوابی نداد. باز هم گفت: آخر دیدید که مرا مجبور کردند، یا شیخ! من که نمی‌خواستم این کار را بکنم؛

شیخ باز سرش را به پایین انداخت و جوابی نداد. برای بار سوم خانم برگشت و گفت: آقا! شما شاهد بودید که مرا رقصاندند، من خودم نرقصیدم؛ شیخ برگشت و گفت که: آری! ترا مجبور کردند که برقصی ولی در میان رقص پای خودت هم کمی گرم شد، من آن را نمی‌بخشم. من نگرانیم از آن پایگرم شدن خودم است که انشاءالله خداوند این تکبر و مقام را برای بنده مایه تکبر و غرور قرار ندهد. و از همه شما هم انتظار دارم که این دعا را در حق من بفرمائید که همان دعایی که امام سجّاد (ع) می‌فرماید: "وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُخَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذَلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا" "و درجه و مرتبه مرا نزد مردم بلند مگردان مگر آنکه مرا به همان اندازه نزد خودم پست گردانی، و عزتی آشکار برایم ایجاد مکن مگر که به همان اندازه در باطنم خاکسار سازی".

لذا از خداوند متعال مسالت دارم تا این شیرینی مقام مرا از عبادت و بندگی او و مدارد.

من لازم می‌دانم که بگویم، نخبگان جامعه، آنهایی بودند که با ایشار بهترین دارایی‌هایشان که جان و نشان بود سلامت و امنیت و عزت را به جامعه مابه ارمغان آوردند که امروز ما به پاس زحمات و فداکاری و ایثار آنها در اینجا جمع شدیم و در این محفل گرم دور هم گرد آمدیم و آنها بودند که در یک شب یعنی شبانه به قول امام راحل، یک شبه راه صد ساله

را بپیموند و ما را در پشت این جبهه‌ها قرار دادند، که از خدا می‌خواهیم ما را به مسؤولیت‌های خودمان در غیاب آنها آگاه و عامل بگرداند، انشاءالله.

به بنده از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه وقت صحبت دادند، حتماً هم شما به دلیل اینکه بنده را به عنوان مُنتخب این جلسه انتخاب کرده اید، انتظار دارید مطالبی را بگویم که شما انتظار دارید؛ اما مندرنظر دارم در این جلسه یک پیامی را از دو وجه یکی از منظر فنی و دیگری از منظر زندگی اجتماعی برای دوستان مخصوصاً قشر جوان ارائه دهم که امیدوارم مورد استفاده قرار بگیرد. اما قبل از آغاز مطالب واجب میدانم از خانواده خودم به خصوص همسرم بسیار تشکر نمایم که هر چه من کردم ایشان همراه من بوده و من واقعاً از زحمات ایشان در طول این ۵۰ سال زندگی، که تمام موفقیت‌های من اگر شکل گرفته است اول به لطف خدا و در مرحله دوم همکاری خانواده من بوده است که من صمیمانه از ایشان تشکر می‌کنم. هر چند که ایشان به دلیل کسالتی که داشتند در این جلسه حضور ندارند ولی چون فرزندم اینجا هست، امیدوارم که این پیام را به زبان شایسته به ایشان ابلاغ بفرمایند که من نخواهم توانست.

من از یک بابت بسیار خوشحالم که این مراسم در شب اول محرم اتفاق می‌افتد که شعری که برادر عزیزمان در رثای حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) خواندند برای من بسیار بسیار زیبا بود. چون من خودم را اگر پذیرا باشند یکی از خادمان اباعبدالله‌الحسین (ع) می‌دانم، اگر قبول

کنند! و من خیلی خوشحالم که این مراسم همزمان با آغاز ایام سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) اتفاق افتاد و امیدوارم که این لطف و بزرگواریشان را در طول زندگی و در آن طرف صراط بر ما ارزانی بدارند و دست ما را از دامنشان نگیرند.

اما آنچه که بایستی عرض کنم؛ ببینید من می‌خواهم که در حقیقت یک صحبتی را از وضعیت آب در دنیا و در ایران برای شما عرض کنم و یک پیامی هم در آخر برایتان دارم. ببینید این وضع آب دنیاست:

جدول توزیع آب دنیا (میلیون کیلومتر مکعب)

آب شرب و صنعت (تقریبی)	آب کشاورزی (تقریبی)	آب قابل دسترس	آب قابل استفاده	آب شیرین	آب دنیا	
۰,۰۰۳۶	۰,۰۰۸۴	۰,۰۱۲	۰,۰۴۱	۳۵	۱۴۰۰	حجم (۱۰ ^{۱۵} m ^۳)
۲,۴۶×۱۰ ^{-۴}	۶,۱۴×۱۰ ^{-۴}	۸,۶×۱۰ ^{-۴}	۰,۳	۲,۵	۱۰۰	نسبت به حجم کل آب دنیا (%)
≈۰,۶ CC	≈۱,۴ CC	≈۲ CC	۶۰۰ CC	۵ لیتر	۲۰۰ لیتر	حجم فرضی

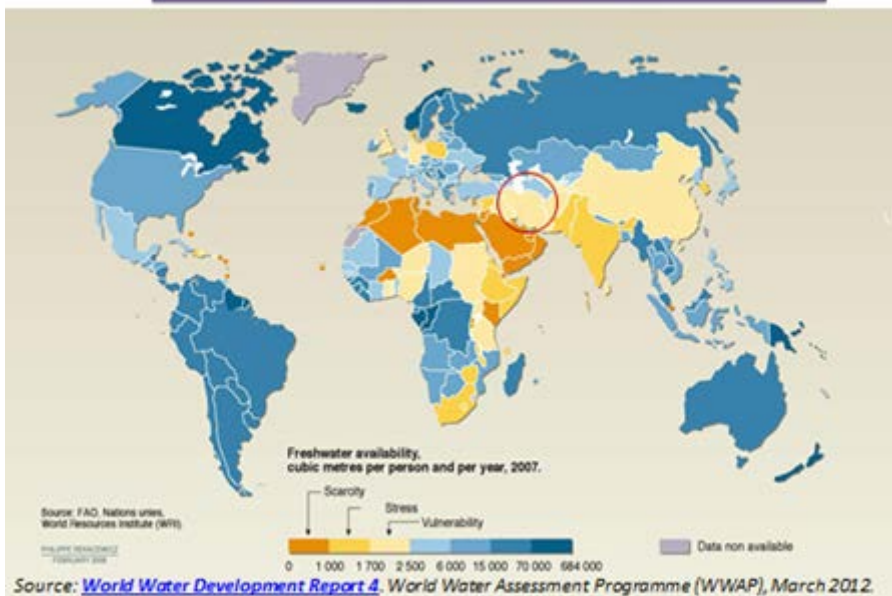
میزان آب دنیا برحسب میلیون میلیارد متر مکعب یعنی ۱۰^{۱۵} متر مکعب (۱۴۰۰ میلیون میلیارد متر مکعب) است که از این مقدار فقط ۳۵ میلیون میلیارد متر مکعب آب شیرین است که می‌شود ۲,۵ درصد کل آب دنیا. از این مقدار، آب قابل استفاده شیرین ۰,۰۴۱ میلیون میلیارد متر مکعب است.

برای این که ما درک سریع این مقدار، فرض کنید که کل آب دنیا رایک بشکه ۲۰۰ لیتری در نظر بگیریم. از این آب فقط ۵ لیتر آن آب شیرین است. یعنی ۱۹۵ لیتر آن آب شور است. از این ۵ لیتر ۶۰۰ سی سی آن فقط آب قابل استفاده است که از آن فقط ۲ سی سی یعنی یک قاشق مرباخوری را انسان می‌تواند استفاده کند؛ که از این ۲ سی سی، ۱،۴ سی سی یعنی دو سوم قاشق مرباخوری برای کشاورزی و یک سوم قاشق مرباخوری برای شرب و صنعت و غیره مصرف می‌شود. همانطور که می‌بینید ما بین آب موجود تا آب قابل مصرف خیلی فاصله داریم. من این موضوع را بیان داشتیم که بعداً مطلبی را برای شما عرض خواهیم کرد.

برای این که درک وضعیت آبی هر کشوری، میزان آب مورد نیاز برای زندگی با سرانه آب مورد نیاز برای انسان تعریف می‌شود که این شاخص را خانم فالکین مارک در بانک جهانی این‌طور تعریف کردند که اگر میزان سرانه آب در سال از ۱۷۰۰ متر مکعب بیشتر باشد، آن منطقه بدون تنش است و اگر بین ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ متر مکعب باشد، تنش دار است، و اگر بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر مکعب باشد کمبود است و کمتر از ۵۰۰ متر مکعب در کمبود مطلق است. البته در حال حاضر با آن ۲ سی سی آب که برایتان حساب کردم، آب سرانه متوسط جهان اگر مثلاً جمعیت دنیا را ۸،۵ میلیارد نفر در نظر بگیریم، تقریباً ۱۲۰۰۰ متر مکعب به طور متوسط است یعنی ما

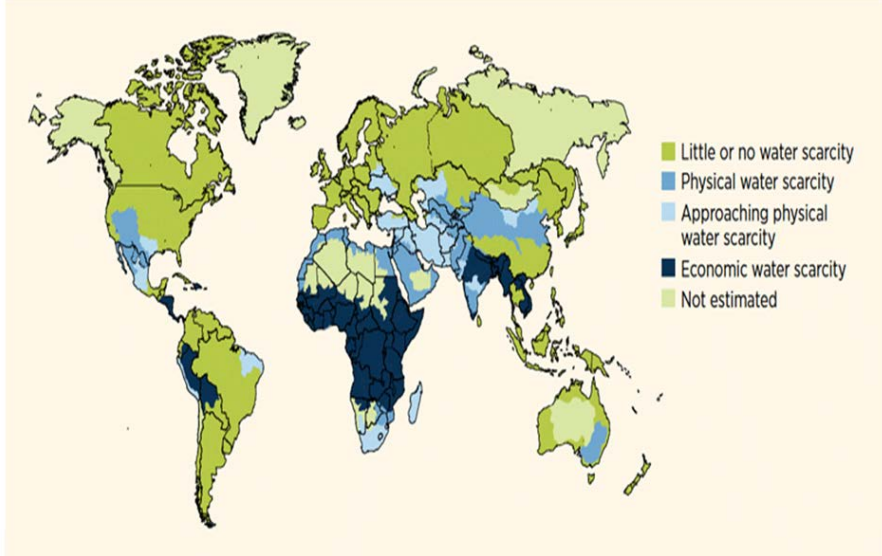
پتانسیل آبی سرانه داریم. ببینید این وضع دنیا از نظر تنش آبی در سال ۲۰۰۸ میلادی یا ۱۳۸۷ شمسی است.

وضعیت کشورها از نظر تنش آبی (۲۰۰۸)



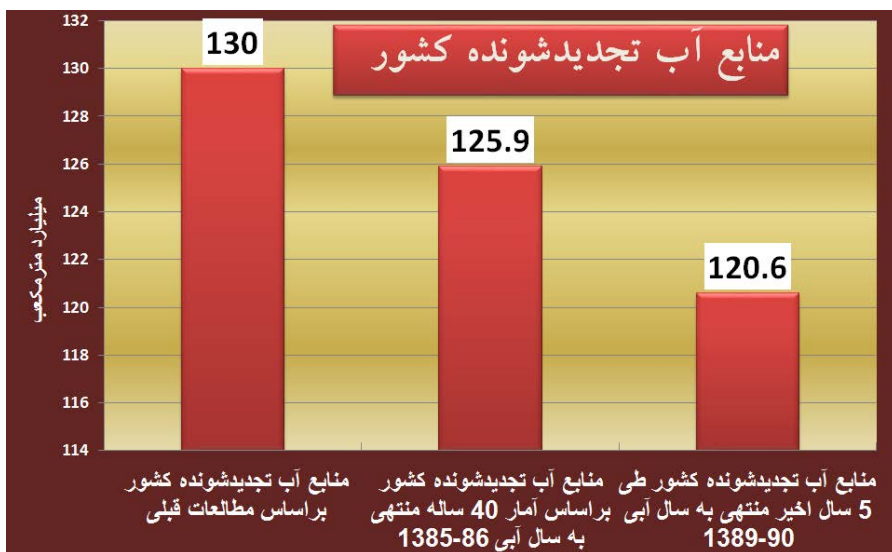
که اگر شاخص‌ها را بررسی کنیم متوجه می‌شویم وضع ایران در حالت شکننده بوده است ولی مطابق شکل زیر، در سال ۲۰۱۲ میلادی یعنی سال ۱۳۹۱ شمسی وضعیت ایران تقریباً به شرایط کمبود رسیده است، این موضوع را در اینجا داشته باشید.

وضعیت کشورها از نظر تنش آبی (2012)



من به نقل از گروه آب و توسعه پایدار دنیا دربارهٔ وضعیت آبی دنیا نقل کنم که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ میلادی تقریباً ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت دنیا در بحران آبی به سر ببرند؛ از این تودهٔ جمعیتی کمتر از ۵۰۰ میلیون نفر به آب سالم دسترسی خواهند داشت. از طرف دیگر تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۴/۵ میلیارد نفر از جمعیت دنیا مواجه با آسیب‌های ناشی از آلودگی‌های آبی خواهند بود. این امر باعث ایجاد زمینه‌های رقابتی در بهره‌برداری از منابع آب خواهد گردید، که ما آن‌را به جنگ آبی و یا در حقیقت قرن ۲۱ را می‌توان به‌عنوان قرن آب مطرح کنیم.

ولی آنچه که در ایران ما در سال‌های قبل از ۱۳۸۵ داریم این است که منابع آب تجدید شونده کشور ما ۱۳۰ میلیارد مترمکعب از ۴۰۰ میلیارد مترمکعب بارندگی بوده است. ولی با توجه به مطالعات جدیدی که اتفاق افتاده است، ما فعلاً می‌توانیم روی ۱۲۰ میلیارد مترمکعب آب تجدید شونده برنامه‌ریزی کنیم، البته این آب قابل برنامه‌ریزی نیست، بلکه این آب موجود است. آب قابل برنامه‌ریزی شاید در حد ۹۶ میلیارد متر مکعب بیشتر نباشد. البته متوجه می‌شویم که ما در طول ۱۰ سال گذشته یک روند کاهشی داشتیم و این روند ادامه خواهد داشت.

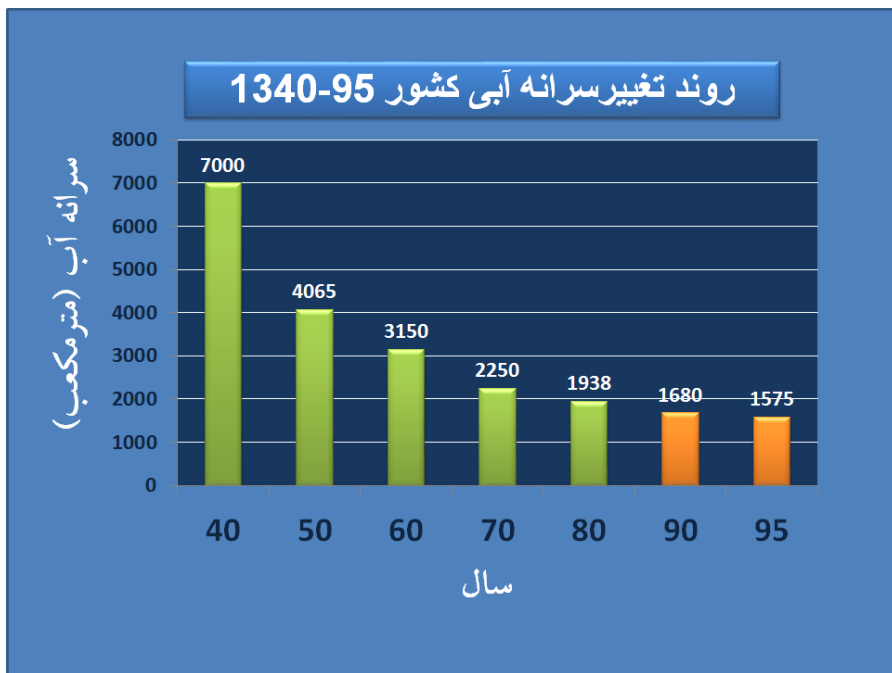


از طرف دیگر از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۵ رشد جمعیت ما از ۱۸ میلیون نفر به ۸۰ میلیون نفر در حال حاضر (درحالی که سرشماری جدید هنوز به دست نیامده است) که پیش‌بینی می‌شود ما حدوداً ۸۰ تا ۸۱ میلیون نفر جمعیت داشته باشیم که روند رشد تقریبی جمعیت به قرار زیر می‌باشد.



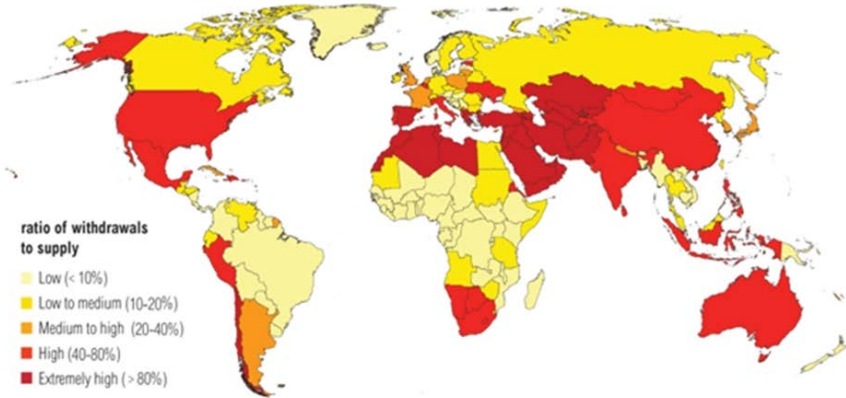
اگر آب موجود را به این رقم جمعیتی کشور تقسیم کنیم، از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۵، ملاحظه می‌شود که سرانه آب کشور از ۷۰۰۰ مترمکعب به ۱۵۷۵ مترمکعب کاهش یافته و از سال ۱۳۹۰ به

بعد کشور ما در آستانه تنش آبی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که ما تا سال ۱۳۸۰ تقریباً در شرایط پرآبی بودیم ولی فعلاً در شرایط کمبود قرار گرفته ایم .



پیش بینی که برای وضعیت جهان، مطابق شکل زیر، در سال ۲۰۴۰ میلادی (۱۴۲۰ شمسی) می شود این است که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند ایران جزو کشورهای کاملاً با تنش مطلق خواهد بود.

وضعیت جهان در 2040 (۱۴۲۰ شمسی)



NOTE: Projections are based on a business-as-usual scenario using SSP2 and RCP8.5.

For more: ow.ly/RiWop

 WORLD RESOURCES INSTITUTE

حالا پیامد تنش‌ها و کمبودهای آبی چیست؟ پیامدهای عمده تنش آبی را میتوان به قرار زیر

فهرست نمود

- ✓ عدم دسترسی به آب شرب
- ✓ فقر بهداشتی، بروز و شیوع بیماریها
- ✓ فقر
- ✓ گرسنگی

✓ از بین رفتن ذخایر زیست بوم و محیط زیست

✓ عدم امکان آموزش جامعه

شما می‌دانید اگر آب شُرب نباشد زندگی فلج است. من به صورت کاملاً فهرست‌وار بقیه را بیان می‌کنم. گرسنگی یکی از پیامدهای سنگین این تنش‌ها است. فقر در کنارش خواهد بود. ضعف مسائل بهداشتی و بروز بیماری‌ها حتمی است. عدم امکان آموزش در کنارش است. عدم امکان آموزش به این خاطر است که یا مردم برای به‌دست آوردن آب آنقدر گرفتارند که وقتی برای آموزش ندارند و یا اگر هم آب باشد، اصلاً حوصله آموزش و فرصت فکری آن نخواهند داشت. بعدی از بین رفتن ذخایر زیست‌بوم و محیط زیست که کلاً آنچه در طبیعت وجود دارد از بین خواهد رفت. حالا ما می‌خواهیم ببینیم چه باید کرد؟

من قبل از این که بگویم چه باید کرد، دو نکته را برایتان عرض خواهم کرد. یکی این که اولاً آقای دکتر بهرامی هر چند که صحبت‌هایشان شاید مستقیماً با آب مرتبط نبود ولی فرهنگ ملی ما را که ترسیم کردند، ملاحظه فرمودید که نیاکان ما این توانایی و ظرفیت فکری و فنی را داشتند که با کمترین امکانات از بهترین زندگی برخوردار باشند. ما هنوز از آن میراث فرهنگی خود بیگانه هستیم. ما بایستی برگردیم و مطالعه کنیم.

دوم اینکه خداوند به ما در سوره مؤمنون آیه ۴۰ می‌فرماید: اَنَا أَنْزَلْنَا الْمَاءَ بِقَدْرٍ (ما آب را به مقدار برای شما فرستادیم). آیه هم با اِنَّا شروع می‌شود که در حقیقت نشان‌دهنده تأکید است که یعنی حتماً ما آب را به مقدار کافی برای شما فرستادیم. باور دینی ما این است که حرف خدا هیچ ردخور ندارد، پس مشکل آنچه که در سال ۱۴۲۰ شمسی پیش‌بینی می‌کنیم ما در بحران خواهیم بود کجاست؟، آیا چنین است؟ من می‌گویم: نه. من می‌خواهم بگویم که ما مریضم. ببینید آدم موقعی که مریض می‌شود و می‌رود پیش دکتر، به او گفته می‌شود آقا جان! تو مریضی بایستی این رژیم را بگیری، این دارو را بخوری و این کار را بکنی و اگر نکنی می‌میری، خُب پس تا مردن فرصت داریم. یعنی در حقیقت این مریض تا مردن فرصت دارد که یک عدّه علاج‌پذیری‌ها را و تمهیداتی را برای زندگی پیش‌بینی کند. مملکت ما این روند کاهشی را دارد ولی ما می‌توانیم از حالا با تعدادی راهبردها و کارها، خودمان را از این بُحران نجات بدهیم. من به بحران آب معتقد نیستم بلکه کمبود آب معتقدم. بحران موقعی است که هیچ چاره‌ای وجود نداشته باشد. من می‌خواهم بگویم که خدا می‌گوید ما به شما آب را به مقدار فرستادیم پس آن نکته مجهول کجاست؟ آن نکته مجهول هُنر ماست. هُنر شما عزیزانی که متخصصین حوزه آب هستید. جوانانی که آن آخر نشسته‌اند و فردا کارشناسان آب و برنامه‌ریزان آب این کشور

خواهند بود بایستی بدانند که هنر شما باید این بحران و کمبود را از مملکت دور کند، اما

چگونه؟ من تعدادی از این پیشنهادات را برایتان خیلی سریع بقرار زیر بیان می‌کنم:

- آموزش
- بازیافت و بازچرخانی آبهای غیرمتعارف
- استفاده از آبهای شور در صنعت
- استفاده از ظرفیت آب مجازی
- بازنگری در الگوهای کشت
- بازمینی در الگوی مصرف آب و غذا
- اصلاح سامانه های آب و فاضلاب شهری
- استفاده از فناوریهای پیشرفته در حفاظت آب
- پشتیبانی از ابتکارات در تهیه آب سالم

اصل اول آموزش است؛ ما بایستی در آموزه‌های دینی مان و در آموزه‌های ملی مان روش‌های

خوب مصرف کردن آب را به مردم آموزش بدهیم. من خیلی راحت بگویم با سه مُشت آب

می‌شود وضو گرفت نه با یک ظرف بزرگ پر از آب. ما شیر آب را باز می‌گذاریم و تا اینکه

مسح نکشیدیم شیرِ آب باز می‌ماند، این در کجای دین ماست؟ پس این شیرهای پدالی را برای چه گذاشتند؟! شیر پدالی را گذاشتند برای اینکه شما ببینید، صورتتون را بشورید، باز کنید، دست راست‌تان را بشورید، باز کنید دست چپ‌تان را بشورید، ببینید، مسح بکشید و تمام! با سه تا مشت آب شما می‌توانید وضو بگیرید. البته این را مثال عرض کردم. آقایان و خانم‌های عزیزی که در این جلسه هستند، از نظر شرعی طبق قرآن و رساله‌های عملی، می‌بینید که شما با یک صاع می‌توانید غسل کنید و با یک مُد می‌توانید وضو بگیرید. یک صاع یعنی سه لیتر آب که آدم با آن می‌تواند غسل کند که این دستور شرع است. پس یکی اینست که ما روش‌های بهینه مصرف کردن را به جامعه یاد بدهیم. سازمانهایی که مسئول این کار هستند باید این کار را انجام بدهند و دانشگاه‌ها هم.

پیشنهاد بعدی بازبینی در الگوی مصرف است. آمریکا حالا مصارف را از ۱۵ گالن در روز دارد به هفت گالن تغییر می‌دهد. آقای دکتر نیریزی رییس کمیسیون بین‌المللی آبیاری و زهکشی در جلسه حضور دارند و کاملاً به این موضوع آگاه هستند، که این تغییر در الگوی مصرف از نصف هم کمتر است. ما بایستی الگوهای مصرفی خودمان را بازبینی کنیم.

پیشنهاد بعدی اینکه بازنگری در الگوی کشت بکنیم. کجا گفته شده است که حتماً ما باید در این مملکت برنج بکاریم؟ چه کسی این را گفته است؟ برنجی که اینقدر آب می‌برد، چرا ما بایستی برنج بکاریم؟ ما می‌توانیم از گونه های گندم و یا کشت‌هایی استفاده کنیم که کم آب خورند؛ یعنی کم آب استفاده می‌کنند.

اما پیشنهادهای بعدی که من سریع می‌گذرم به ترتیب: بازیافت و بازچرخانی آب‌های نامتعارف، استفاده از ظرفیت آب مجازی یعنی محصولاتی که بیشتر آب می‌خورند وارد کنیم و محصولاتی که کمتر آب می‌خورند را اینجا تولید کنیم و صادر نماییم. بعد اصلاح سامانه‌های آب و فاضلاب شهری، استفاده از فناوری‌های پیشرفته حفاظت آب، استفاده از آب‌های شور در صنعت. عزیزان یادتان باشد از آن ۱۴۰۰ میلیون میلیارد متر مکعبی که من گفتم فقط ۳۵ میلیون میلیاردش آب شیرین است و بقیه‌اش آب شور است، که این یک ظرفیتی است که ما با توجه به آبریزی پروری و پتانسیل‌های غذائی اقیانوس‌ها می‌توانیم از این منبع آب شور، آب شیرین تولید کنیم و استفاده کنیم. راهی هم به غیر از این نیست و نهایتاً پشتیبانی از ابتکارات برای تهیه آب سالم. این پیام من و ترسیم‌گذاری آبی کشور برای شما عزیزان بود. به‌خصوص نسل جوان که حتماً و حتماً مطالعات بیشتری را انجام خواهید داد.

ولی برای برون رفت از این آستانه تنش آبی یک عزم ملی را می‌خواهد. یعنی هماهنگی و همگامی هر سه قوا و همکاری آحاد مردم را می‌طلبد. این کارهایی که عرض کردم غیر از همکاری ی به تنهایی نمی‌شود. بایستی برای یک مریض خطرناک، یک مشاوره پزشکی انجام داد و پزشک‌ها همه با هم، هم رأی بشوند و بایستی این مریض را نجات بدهند. این پیام تخصصی گذرای آبی من بود.

ولی همانطور که قول دادم پیام دیگری برای جوان‌ها دارم. یک آموزه‌ای از آب برای موفق زیستن. در اینجا من کسی را برایتان معرفی می‌کنم بنام سراج‌الدین ابو یعقوب یوسف بن ابی بکر بن محمد بن علی معروف به سکاکی خوارزمی؛ ایشان نویسنده و ادیب ایرانی و اهل خوارزم است که مؤلف کتاب مفتاح‌العلوم است که مشتمل بر ۱۲ باب از علوم غریبه است. خوب دقت کنید، ایشان شغل چاقوسازی داشته‌اند و چاقو می‌ساخته؛ روزی یک چاقوی کوچکی را با یک جعبه کوچک در حد بسیار ظریف درست می‌کند و به دربار خوارزمی می‌برد، وارد دربار می‌شود و آن را به شاه تقدیم می‌کند. شاه که داشت نگاه می‌کرد، ی کسی از در وارد می‌شود و شاه بلافاصله پا می‌شود و می‌رود دم در و از این شخص پیشواز و استقبال گرمی می‌کند و دیگر این چاقو و جعبه این آقای سکاکی را از یاد می‌برد. سکاکی می‌پرسد که این آقا کی بود که شاه این هدیه مرا، که حاصل زحمت یک‌ساله من بود تا به این ظرافت این چاقو را به همراه این

قوطلی بسازم، از یاد برد؟. انتظار داشتم ایشان مرا خیلی خیلی تشویق کنند. می‌گویند: ایشان عالم است و یکی از دانشمندان می‌باشد. سکاکی پا می‌شود و با اینکه اهل خوارزم بوده است به نجف می‌رود. وارد می‌شود و می‌رود پیش یک استادی تا علم بیاموزد استاد از این سکاکی یک امتحانی می‌کند. خیلی ببخشید! استاد به سکاکی می‌گوید، که درس اولت این است که اگر پوست سگ را دباغی بکنیم پاک می‌شود یا نمی‌شود؟ این درس اول است. می‌رود و این را یاد می‌گیرد که اگر پوست سگ را دباغی بکنیم پاک می‌شود یا نمی‌شود و به همین ترتیب صد دفعه این را تکرار می‌کند. فردا صبح می‌آید استاد می‌پرسد: درس دیروز را بگو؟ می‌گوید: سگ فرمود اگر پوست استاد را دباغی بکنیم پاک می‌شود یا نمی‌شود؟ همه به سکاکی می‌خندند و استاد نیز می‌گوید: از تو برای من شاگرد نمی‌شود، پاشو و برو. این سکاکی پا می‌شود و راه می‌افتد می‌آید، سر راه در یک شبی در دامنه کوهی رخت می‌اندازد و می‌خوابد، صبح زود که حالا وقت نماز بوده یا نسیم می‌زند، این بیدار می‌شود و می‌بیند یک صدایی می‌آید. صدای چگه چگه می‌آید. بعد نگاه می‌کند می‌بیند از بالای کوه قطرات آب دارد چگه می‌کند، همین جور تعقیب می‌کند می‌بیند که به یک صخره‌ای رسیده و این صخره را سوراخ کرده است. می‌گوید ای دل غافل، مغز تو که از این سنگ سنگین تر نیست. علم هم که از این قطره آب لطیف تر نیست، برگردد. برمی‌گردد و می‌شود سکاکی که همین کتاب مفتاح‌العلوم را که مشتمل

بر ۱۲ باب از علوم غریبه است تدوین می کند. من به شما عزیزان می گویم که عزیزان من در زندگی، بالا و پایین زیاد هست. شعر حافظ را من در اینجا آوردم که می گوید:

بنشین بر لب جوی و گذر عمر بین کاین اشارت ز جهان گذرا ما را بس

در بیت اول نگاه کنید حافظ این طور آدم ضعیفی نبوده است که فقط از گذر رودخانه و جوی به گذران عمر نگاه بکند بلکه در پشتش می گوید:

نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس

یعنی تو در این گذرگاه هم با بازار یعنی سود و هم با آزار یعنی زیان روبرو هستی. من می خواهم به شما عزیزان بگویم که شما عزیزان که گاهی ذهن تان با شائبه های بیکاری، نبود شغل، یا آینده تاریک و خاکستری خودتان، شماراگاهی اسیر می کنید، این ها را رها کنید. شما سعی کنید از این آموزه آبی در صخره، سکاکی را سکاکی کرده شما را عالم آب بکند و کسی بکند که دنیا و کشور عزیز ایران بر شما افتخار کند. انشاءالله به سان آب چشمه ساران، ژلال باشید و باصفا و نستوه و پویا. سپاسگزار از صبر و شکیبایی تان، خیلی ممنونم.

ضمايم

ضَمَائِم

« زندگینامهٔ دکتر جواد فرهودی »



دکتر جواد فرهودی متولد شهریور ۱۳۲۲ از مراغه هستند. او سرآمد "علم، فن، تجربه، مدیریت و اخلاق" در رشته‌ای است که مایهٔ حیات است. پیش از این، ۲۳ سال در دانشگاه ارومیه بودند (۱۳۷۶-۱۳۵۳). دستاوردهای ویژه ایشان در دوران دانشگاه ارومیه، ساختار جامع

کنونی دانشگاه در پردیس نازلو؛ ورزشگاه‌ها؛ بورس تحصیلی بیش از ۲۰ عضو هیأت علمی (عموماً به استرالیا)؛ ریاست و معاونت‌های متناوب دانشگاه؛ ساختمان و آزمایشگاه‌های گروه مهندسی آب؛ مدیریت عامل سازمان آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی و اردبیل کنونی؛ بناهای آبی آذربایجان شرقی و اردبیل؛ ریاست دانشگاه جامع تکنولوژی ایران؛ معاونت آب وزارت نیرو؛ مسئولیت ارتباطات بین‌المللی؛ کرسی استادی و استاد ممتاز کشوری است.

در ۲۰ سال اخیر و دوران حضور در "دانشگاه تهران" در سمت‌های معاون پژوهشی وزارت علوم؛ ریزن علمی در قاره اقیانوسیه و مالزی؛ و سمت‌های اجرایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی؛ مدیریت پارک علم و فناوری و از بنیانگذاران "مؤسسه آب دانشگاه تهران" بوده‌اند. دکتر فرهودی در شهریورماه ۱۳۸۹ به افتخار "بازنشستگی دانشگاه تهران" درآمد. با این وجود، همچنان به تدریس و هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویان ارشد و دکتری گروه آبیاری و آبادانی دانشگاه تهران و راهبرد پروژه‌های مؤسسه آب دانشگاه تهران می‌پردازند. کتابهای ایشان مرجع جوانان دانشجوی آب است. از میان کارهای حاضر و ماندگار ایشان، سرپرستی نگارش "دانشنامهٔ آب" است.

بیانیه کمیته علمی مراسم تکریم دکتر فرهودی که توسط آقای دکتر محمد علی بنی هاشمی قرائت شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

" مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ "

جای بسی خوشبختی است که بنیاد نخبگان استان تهران در ادامه سنت حسنه نکوداشت علمی، فرهنگی و معرفی پیشکسوتان و بزرگان کشور، به جامعه مستعدین و نخبگان توجه ویژه به موضوع بسیار مهم و حیاتی آب نموده است و اولین مراسم نکوداشت مقام علمی و فرهنگی یکی از بزرگان آب کشور را در مهرماه ۱۳۹۵ برگزار می نماید. این رویداد فرهنگی فرصتی است که توجه نخبگان را به چالش های کشور در نقش کلیدی آب در توسعه پایدار جلب می کند و لزوم استفاده از تجارب مفاخر علمی، فرهنگی و پابندی به اصول اخلاق حرفه ای که این گنج های ملی با عمل ترسیم کرده اند را تبیین می نماید.

کمیته علمی این رویداد فرهنگی از این نعمت برخوردار بوده است که با سوابق غرورانگیز و پُرافتخار تعداد قابل توجهی از بزرگان کشور که توسط مجامع مختلف علمی و تخصصی معرفی شده بودند، بیش از پیش آشنا شود. زمینه کاری عزیزان معرفی شده بسیار متنوع

بوده و فعالیت‌های مختلف آموزشی، پژوهشی، مهندسی، مدیریت، کارآفرینی، شاگردپروری، تألیفی و فرهنگی را پوشش می‌داد و چنین جمع‌بندی گردید که اولین مراسم به نکوداشت یکی از استادان دانشگاهی اختصاص داده شود. امید است که این حرکت بتواند در ادامه خود به سایر زمینه‌های ایجاد شده نیز بپردازد.

استاد ارجمند جناب آقای دکتر جواد فرهودی به گواه جایگاه علمی، افتخارات آموزشی و پژوهشی، تولید علم و انتشار مقالات و کتب تخصصی و نُخبه‌پروری یکی از استادان بسیار موقِّق و شاخص این مرز و بوم در جامعه دانشگاهی است. افزون بر آن شخصیت فرهنگی این استاد فرزانه اگر فراتر از جایگاه علمی ایشان نباشد، کمتر نیست. وارستگی، تقوا، حُسن خُلق و مکارم اخلاقی ایشان غالباً رابطه همکاری استاد، دانشجویی را به رابطهٔ مریدی و مرادی تبدیل می‌کند. آقای دکتر فرهودی همزمان، استاد، معلم اخلاق، پیش‌نماز، خطیب مذهبی، قاری قرآن و ذاکر اهل بیت در جمع‌های دوستانه و فرهنگی مشکل از دانشجویان و همکاران است. در کنار همهٔ این موارد آقای دکتر فرهودی منشاء خدمات اجرائی و مدیریتی بسیار ارزنده و درخشانی در عرصه‌های مختلف برای مردم ایران در داخل و خارج از کشور بوده و با توجه به شخصیت علمی و مستقل و تجارب ارزندهٔ خود مرجع و مشاور دولتمردان و مدیران اجرائی کشور در تمامی دولت‌ها بوده‌اند. از جمله خدمات بسیار مهم ایشان در عرصهٔ مدیریت اجرائی کشور می‌توان به

نقش تعیین‌کننده ایشان در ظرفیت‌سازی سازمانی و تأسیس یا تقویت نهادهای بسیار مؤثر علمی اشاره نمود. وجاهت و محبوبیت آقای دکتر فرهودی و جایگاه رفیع ایشان در محیط‌های علمی، دانشگاهی، مهندسی و مدیریتی کشور که به تعبیری ایشان را نماد علم، فن، تجربه، مدیریت، تعهد، شعور و اخلاق دانسته‌اند، باید نشانی از استجابت ورد و دعائی دانست که بر زبانش همیشه جاری است که: **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسْنِ عَلَيْهِ السَّلَام فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ .**

کمیته علمی این رویداد فرهنگی به منظور ادامه و ارتقای سنت حسنه نکوداشت پیش‌کسوتان پیشنهادات مشخصی نظیر انتخاب پیش‌کسوتان در زمینه‌های مختلف علمی، مهندسی، اجرائی، فناوری و کارآفرینی بر اساس معیارهای مشخص وزن‌دهی شده متناسب با هر زمینه، مشارکت بیشتر نهادهای علمی، صنفی و اجرائی در معرض پیش‌کسوتان، تهیه بانک اطلاعات پیش‌کسوتان و تنوع‌بخشی به کمیته علمی از حیث وابستگی‌های سازمانی تهیه کرده است. این پیشنهادات به طور جداگانه به مسئولین محترم ذی‌ربط ارائه خواهد شد. امید است خداوند متعال این حرکت ارزشمند را از بانیان آن قبول فرماید.

بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ

((ارج نامه))

استاد ارجمند جناب آقای دکتر جواد فرمودی

مردان بزرگ و جاودانه مردانی با علم نافع و عمل صالح اند که خدمت بی منت به هموعان رامشی خود قرار داده و در این راه از هر گونه ایثار و فداکاری دریغ نمی ورزند. و خداوند سبحان را شاکریم که در این مقطع از زمان کشور ما از وجود ارزشمند چنین الگوهایی بهره مند بوده و خواهد بود. از این رو بنیاد ملی نخبگان مستخر است از زحمات بی شائبه جنابعالی در حوزه آب که مهم ترین مولفه حیات است تقدیر به عمل آورده و زندگی علمی جنابعالی را در مطالعه، تحقیق، تدریس و تألیف بخش‌های مختلف که منجر به تربیت شاگردان بزرگ مرتبط با آب است را به عنوان انجام پروژه نافع، مستند الگو برای مستعدین برتر و نخبگان معرفی نمایند و به پاس زحمات جنابعالی لوح " ارج نامه " حاضر را تقدیم نموده و از خداوند متعال توفیق روز افزون را برای شما مسئلت دارم.

سورناستاری

معاون علمی و فناوری رئیس جمهور

ورئیس بنیاد ملی نخبگان



سخنرانی و خیر مقدم دکتر اردوخانی



سخنرانی دکتر مهدی یاسی



سخنرانی دکتر محمد فنادی



حاضرین در مراسم بزرگداشت دکتر فرهودی



سخنرانی دکتر کوچک زاده



سخنرانی مهندس کیانفر



سخنرانی دکتر بهرامی



سخنرانی دکتر فرهودی



قرائت بیانیه کمیته علمی توسط دکتر بنی هاشمی



مراسم اهدا لوح و ارج نامه و هدایا به دکتر فرهودی



پایان مراسم نکوداشت مقام علمی و فرهنگی دکتر فرهودی